



حرفه حسابداری در دوران پسا تحریم

در طلیعه بهار ۱۳۹۴، ایران و کشورهای عضو گروه ۵+۱ متشکل از چین، روسیه، فرانسه، امریکا، انگلستان و آلمان در چارچوب برنامه اقدام مشترک مورخ ۲۴ نوامبر ۲۰۱۳ و متعاقب فرایندی طولانی، انجام مذاکراتی پیچیده در ابعاد فنی، حقوقی و سیاسی به مجموعه‌ای از راه حل‌ها برای نیل به برنامه جامع اقدام مشترک در شهر لوزان سوئیس دست یافتند.

با پایان یافتن این مرحله از مذاکرات، تدوین پیش‌نویس برنامه جامع اقدام مشترک آغاز و با نهایی شدن متن، برنامه

جامع اقدام مشترک در قالب قطعنامه‌ای در شورای امنیت سازمان ملل متحد مورد تأیید قرار خواهد گرفت و با لازم‌الاجرا شدن برنامه جامع اقدام مشترک برای تمام کشورهای عضو سازمان ملل متحد، قطعنامه‌های قبلی تصویب شده علیه ایران لغو و طرف‌های برنامه جامع اقدام مشترک، پس از تصویب قطعنامه شورای امنیت، پس از طی مرحله آماده‌سازی و همزمان با شروع به اجرای اقدامات هسته‌ای از سوی ایران، لغو تمام تحریم‌ها به طور خودکار به اجرا درخواهد آمد.

در این شرایط، این سؤال اساسی مطرح است که بعد از توافقات احتمالی و فرض برداشته شدن یکباره تحریم‌ها، اقتصاد کشور در چه شرایطی و در چه کنش و واکنشی از فضای اقتصاد بین‌المللی قرار گرفته و با چه خواسته و نیازی وارد آن خواهد شد. در حال حاضر، شواهد نشان می‌دهد که اقتصاد ایران، اقتصادی که دیگر به محرک‌ها و سیاست‌های داخلی حساسیت ویژه‌ای نداشته و منتظر یک تحریک خارجی نشسته است تا بتواند از رکود خارج شده و در مسیر رونق و رشد قرار گیرد.



این شرایط، بسیاری از کشورهای صنعتی که بر کاهش کسری بودجه متمرکز شده‌اند، این قدرت را خواهد یافت که مالیات‌ها را کاهش دهند. برندگان اصلی این معاملات، کشورهای ژاپن، هند و اروپایی هستند که نفت مورد نیاز خود را وارد می‌کنند. امریکا نیز سود می‌برد زیرا هنوز یک سوم نفت مصرفی خود را وارد می‌کند.

پیامد دیگر، کاهش قیمت نفت برای کشورهای سوریه و ونزوئلا خواهد بود که آنها را ضعیف خواهند ساخت. نفت و گاز ۶۹ درصد صادرات روسیه است و ۴۹ درصد درآمدهای مالیاتی دولت روسیه از مالیات‌های دریافتی از این بخش است. پیش‌بینی می‌شود کاهش قیمت نفت از یک سو و تحریم‌های غرب از سوی دیگر، احتمالاً رشد اقتصادی روسیه را ۴ تا ۵ درصد در سال جاری کاهش دهند. نفت ونزوئلا بیش از ۹۰ درصد صادرات این کشور را تشکیل می‌دهد و شرکت‌های نفتی دولتی بیش از نیمی از درآمد این کشور را تشکیل می‌دهند. تورم در این کشور در حال حاضر، بیش از ۶۰ درصد است. کاهش قیمت نفت احتمالاً موجب می‌شود دولت این کشور بیشتر قرض بگیرد.

ارز

با برداشته شدن تحریم‌ها، پول‌های بلوکه شده در کشورهای خارجی آزاد خواهد شد. حجم این دارایی‌ها حداقل به ۳۰ میلیارد دلار می‌رسد. پیش‌بینی می‌شود این موضوع باعث رونق اقتصادی ایران شود البته حجم پایه پولی افزایش می‌یابد و منجر به تورم و افزایش نرخ ارز خواهد شد.

کارشناسان معتقدند در دوران پس‌اتحریم، باید از خروج ارز برای کالاهای لوکس پیشگیری شود و مردم باید به آن سو هدایت شوند که از خروج ارز به بهانه‌های مختلف جلوگیری شود. یکی از شرایط یکسان‌سازی ارز در کشور این

کاهش قوانین و مقررات زاید و تأمین امنیت برای سرمایه‌گذاری تداوم یابد.

درآمدهای ارزی و فروش نفت

کارشناسان معتقدند دولت در دوران پس‌اتحریم، اقدام به سرمایه‌گذاری در افزایش ظرفیت و بهره‌برداری در بخش نفت و گاز خواهد کرد. در این شرایط، صادرات نفت حدود یک میلیون بشکه در روز می‌تواند افزایش یابد و ایران جایگاه دوم بعد از عربستان را در اوپک بدست آورد و درآمد ارزی ایران با رفع تحریم‌ها افزایش خواهد یافت.

پیش‌بینی می‌شود که افزایش صدور نفت ایران، اولین اثر برداشتن تحریم‌ها روی اقتصاد جهان باشد. این افزایش صادرات می‌تواند قیمت نفت را در سال آینده به زیر ۵۰ دلار برای هر بشکه برساند. این یک شوک مثبت برای کشورهای واردکننده نفت و یک شوک منفی برای کشورهای صادرکننده خواهد بود. بر این اساس برآوردی، نیم درصد از رشد کل صادرکنندگان نفت کاسته و نیمه درصد به رشد کل واردکنندگان افزوده می‌شود. در

نظر به اهمیت موضوع، کارشناسان به بررسی جنبه‌های مختلف سیاسی، اقتصادی و اجتماعی موضوع پرداخته‌اند. دوران پس‌اتحریم روی اقتصاد کلان ایران تأثیرات بسیار با اهمیتی دارد که هرکدام به طور جداگانه قابل بحث و بررسی و تجزیه و تحلیل است. در اینجا، به موضوعاتی در زمینه‌های مختلف پرداخته شده است که به طور مستقیم و غیرمستقیم روی حرفه حسابداری تأثیر دارد زیرا هدف از بیان این مطلب، بررسی وضعیت، نقش و جایگاه حرفه حسابداری در دوران پس‌اتحریم می‌باشد.

نیاز به تحول اقتصادی

برخی از کارشناسان معتقدند با رفع تحریم در اقتصاد، نیازمند تغییر ساختاری و تحول زیر بنایی هستیم و با انجام این تغییرات امیدوارند اقتصاد کشور در مسیر رشد و توسعه قرار گیرد. این در حالی است که در راستای جهانی شدن اقتصاد، انجام مبادلات بین‌المللی، لازم است سیاست‌های دولت در زمینه تسهیل در جابجایی یا سرمایه و جذب سرمایه‌های خارجی،

است که سیاست‌های آزادسازی در اقتصاد پیاده شود. محدودیت‌های ارزی برداشته شود و واردات و صادرات یکسان باشد. مقررات‌زدایی به بهترین روشن اجرا شود متقاضیان به راحتی بتوانند ارز مورد نیاز خود را تأمین کنند. در این وضعیت، بازار غیررسمی از بین می‌رود و قیمت کالا و ارز در مسیری صحیح قرار می‌گیرد.

سرمایه‌گذاری خارجی

ظرف ماه‌های آینده، احتمالاً موانع سیاسی جذب سرمایه‌گذاری خارجی برطرف خواهد شد. اما موانع روانی جذب سرمایه‌گذاران به راحتی برطرف نمی‌شود. این در حالی است که ما باید شرایط کسب و کار را تسهیل کنیم. البته ما باید سرمایه‌های خارجی در حوزه فناوری‌های بالا را جذب کنیم و این کالاها را به خارج صادر کنیم.

سیاست‌های مالیاتی

پیش‌بینی می‌شود سیاست‌های مالیاتی دولت در آینده با توجه به نیاز دولت و به علت ضرورت انضباط اقتصادی و پیشبرد برنامه‌های اقتصادی شدیدتر و دقیق‌تر اعمال شود و درآمد مالیاتی افزایش یابد. همچنین با اجرای طرح جامع مالیاتی، درآمدهای مالیاتی کشور به میزان زیادی افزایش و با این درآمد وابستگی کشور به نفت کاهش یابد.

تولید داخل

ایران، دومین کشور پرجمعیت خاورمیانه با ۷۸ میلیون نفر جمعیت با ۹ درصد ذخیره نفتی و ۱۸ درصد ذخایر گازی جهان و دارای منابع معدنی فراوان است. در سال ۱۳۹۲، بانک جهانی، ایران را در فهرست کشورهای دارای «درآمد بالای سطح متوسط» قرار داد. بانک جهانی درآمد سرانه در ایران را براساس قدرت خرید، ۱۳

هزار دلار اعلام نموده است. اقتصاد ایران در شرایط تحریم‌ها، دومین اقتصاد بزرگ خاورمیانه شده است و تولید ناخالص داخلی ایران در سال ۱۳۹۲ در رده ۲۱ جهان قرار دارد. موضوع اصلی در اقتصاد پس از تحریم، دقیقاً این است که مدیریت منابع ارزی جدید به گونه‌ای باشد که بهترین بهره‌برداری را برای اقتصاد ایران داشته باشد. در این مورد، لازم است دلارهای نفتی صرف توسعه زیر ساخت‌ها از جمله خطوط تولید پیشرفته شود.

مسکن

در بخش مسکن، از آنجا که در طول دو سال گذشته تقاضای مسکن خیلی کم بوده، قیمت مسکن نمی‌تواند افزایش یابد و حداکثر نرخ آن معادل نرخ تورم یا کمتر از آن می‌تواند باشد. پیش‌بینی می‌شود که رشد اقتصادی ایران پس از تحریم‌ها در سال ۱۳۹۶ به میزان ۶ درصد افزایش یابد. بعد از برداشته شدن تحریم‌ها، شرکت‌های غربی می‌خواهند به دلیل وجود رکود اقتصادی در دنیا به یک بازار بکر وارد شوند. بنابراین اگر قیمت‌ها و کیفیت تولید منطقی نشوند بخش صنعت و کارآفرینی آسیب خواهد دید.

بازار سرمایه

در رابطه با بازار سرمایه، با توجه به لزوم اجرایی شدن اصول راهبری شرکت‌ها، این باور وجود دارد که این فعالیت‌ها در شرکت‌های بزرگ و شرکت‌های عضو بورس اوراق بهادار گسترش بیشتری یابد. این اصول موجود، مشوق و تشدیدکننده فعالیت‌های کمیته‌های هیئت مدیره شامل کمیته حسابرسی، حسابرسی داخلی، خدمات اطمینان‌بخشی و مشاوره می‌گردد و تأثیرات مهمی را برای ارتقای کنترل داخلی در واحدهای اقتصادی کشور دارد. کارشناسان اعتقاد دارند که رفع تحریم‌ها می‌تواند منجر به توسعه بازار سرمایه ایران

شود. این توسعه می‌تواند به ایجاد زمینه‌هایی چون عرضه اوراق بهادار ایرانی در بازارهای جهانی، عرضه اوراق بهادار خارجی در بازار ایران، روابط متقابل ایران و دیگر کشورها در عرضه مبادلات فناوری معاملات، امکان فروش اوراق بهادار با درآمد ثابت ایران در خارج و زمینه‌های مشابه گردد.

سیستم بانکی

با آزاد شدن پول‌های ایران، دولت که ۱۵۰۰ میلیارد ریال به سیستم بانکی و شرکت‌ها و بدهی دارد، می‌تواند بدهی‌های خود یا بخشی از آن را بپردازد که این امر باعث بهبود وضعیت اقتصاد داخلی می‌گردد. با گشایش وضعیت اقتصادی، نرخ بهره کاهش و تولید افزایش می‌یابد. همچنین با برداشتن شدن تحریم‌ها، تقاضاهای مسکوت مانده در دو سال گذشته آزاد می‌شود و این به سرمایه‌گذاری و افزایش تولید کمک خواهد کرد.

فناوری

کارشناسان معتقدند انجام توافقات هسته‌ای می‌تواند تأثیرات خوبی بر تمام حوزه‌های مختلف فناوری داشته باشد و ناکامی‌ها و کمبودهای این بخش با رفع تحریم‌ها برطرف شود.

استانداردهای بین‌المللی گزارشگری مالی

امروزه بیش از یکصد کشور دنیا، استانداردهای بین‌المللی گزارشگری مالی را پذیرفته‌اند. اهداف اصلی این استانداردها، افزایش قابلیت مقایسه و شفافیت اطلاعات مالی، افزایش کارایی بازارهای سرمایه و پیامدهای مساعد و مثبت اقتصادی است. کارشناسان پیش‌بینی می‌کنند با گسترش روابط ایران با دنیا، حرکت به سوی استفاده از استانداردهای بین‌المللی گزارشگری مالی، تقویت خواهد شد.

نظر به اهمیت موضوع، فصلنامه
«حسابدار رسمی»، اقدام به گردآوری
آراء و دیدگاه‌های برخی از اعضای محترم
جامعه حسابداران رسمی ایران نموده
است که در صفحات آینده می‌خوانید.



در ابتدای سال جاری، در چارچوب برنامه اقدام مشترک مورخ ۲۴ نوامبر ۲۰۱۳، مذاکرات پیچیده در شهر لوزان سوئیس به پایان رسید و ایران و کشورهای عضو گروه ۵+۱ به برنامه جامع اقدام مشترک دست یافتند. تا چه میزان به اجرایی شدن برنامه جامع اقدام مشترک (برجام) و لغو تحریم‌های مقرر علیه ایران امیدوار هستید؟ آیا به نظر شما، رفع تحریم‌ها در اقتصاد ایران، نیازمند تغییر ساختاری و تحول زیربنایی است؟ در صورت مثبت بودن پاسخ، این تغییرات باید در چه موضوعات و زمینه‌هایی صورت گیرد؟

آقای مجتبی علمیرزایی:

در شرایط حاضر می‌توان نسبت به اجرایی شدن برجام خوش بین بود زیرا هر دو طرف سال‌ها در این خصوص مذاکره و نشست داشته‌اند و خوشبختانه به توافق‌هایی دست یافته‌اند که پیش از این کمتر انتظار آن می‌رفت. کلاً جامعه جهانی از این توافق استقبال کرده‌اند و به نظر می‌رسد که این توافق برای دو طرف برد-برد باشد. به نظر اینجانب، عزم دو طرف برای اجرای توافق جدی است مع الوصف نباید از عوامل پیش‌بینی نشده‌ای غافل شد که همیشه ممکن است مشکل‌زا باشد. بهتر است با خوش‌بینی در این خصوص، به شرائطی که می‌تواند خللی در اجرای برنامه جامع ایجاد کند نیز نیم‌نگاهی داشته باشیم و برنامه‌های خود را به گونه‌ای تنظیم کنیم که انعطاف‌پذیری لازم نیز در آن وجود داشته باشد و اما در مورد لزوم تغییرات ساختاری، اساساً طبق هر توافقی برای طرفین تعهداتی در نظر گرفته می‌شود که مسلماً برخورداری از امتیازات آن توافق منوط به ایفای تعهدات است. با این حال، اینکه این تعهدات شامل تغییرات ساختاری و تحولات زیر بنایی نیز باشد، مورد تردید است اما در هر صورت، محدودسازی برخی از فعالیت‌های غنی‌سازی، از جمله تعهداتی است که باید توسط ایران رعایت شود.

آقای غلامحسین دوانی:

بر اساس مفاد برنامه جامع اقدام مشترک (برجام) که ترجمه فارسی آن را وزارت امور خارجه منتشر نموده است، تحریم‌ها از سال ۲۰۱۶ به تدریج متوقف خواهد شد اما تحریم‌های آمریکا دارای فرآیندی صعب‌العبور بوده که احتمالاً توقف آنها مدت‌بردار است. اما در مجموع «برجام» به تصویب کنگره آمریکا هم خواهد رسید و شبح جنگ از فضای کشور دور خواهد شد. خوش‌بینی من از آن جهت است که عالیت‌ترین ارکان نظام در جریان موضوع بوده و آن را عملاً راهبری کرده‌اند. لذا در ایران مشکل خاصی نداریم مضاف بر آن که به نظرم، آمریکا هم به این توافق به دلایل متعددی نیازمند است.

آقای هوشنگ نادریان:

سیاست‌های اعلام شده دولت برای مرحله پسانتحریم، تأکید بر اقتصاد مقاومتی است. در این مرحله، دولت حداقل خود را متعهد به تقویت بخش خصوصی، تلاش برای اقتصاد رقابتی در سطح بین‌المللی، پرهیز از خام‌فروشی نفت، تلاش برای اقتصادی‌تر و سودآورتر کردن و پایدارتر شدن سرمایه‌گذاری‌ها در کشور، پرهیز از ورود کالای مصرفی، تشویق سرمایه‌گذاران خارجی به مشارکت با ایران برای انتقال فناوری و تأمین بازار داخلی و صادرات محصولات، افزایش صادرات غیر نفتی و رفع موانع صادرات، افزایش انضباط مالی کارگزاران دولتی و برخورد با تخلفات، استقرار نظام جامع مالیاتی و افزایش عدالت مالیاتی و توسعه و بین‌المللی شدن بازار سرمایه نموده است. تحقق اهداف مزبور نیازمند برنامه‌ریزی مناسب، ایجاد اعتماد و جلب مشارکت کارشناسان و سرمایه‌گذاران داخلی و خارجی و ایجاد زیرساخت‌ها و زیر بناهای لازم با نگاه بلندمدت به مسائل می‌باشد. متأسفانه به رغم توان بالقوه کشور در دسترسی به منابع انسانی مستعد، منابع اقتصادی خدادادی و دسترسی به منابع و مأخذ قوی اخلاقی، فرهنگی، جایگاه ما در زمینه‌های مختلف اقتصادی، حکمرانی، علوم، سلامت، سرمایه اجتماعی، مدیریت و خلاقیت، شفافیت و... در رده‌های بین‌المللی بشدت نازل است و ارتقای آن مستلزم تلاش و همت بسیار دولت و مردم در تحقق این مهم است.

آقای محمد حسینی‌منش:

به اجرایی شدن برنامه جامع و لغو تحریم‌های مقرر علیه ایران بدبین هستم، چون رفتار تاریخی آمریکا در مورد کشور ما، در طی سال‌های متمادی بعد از انقلاب و در سایر کشورها از جمله کوبا و... حکایت از آن دارد که تحریم‌های مقرر علیه ایران بطور کامل رفع نخواهد شد و دچار چالش‌ترندهای آمریکایی می‌گردد. در پاسخ به سؤال رفع تحریم‌ها در اقتصاد، پاسخ مثبت است؛ به نظر اینجانب، رفع تحریم در اقتصاد مستلزم تغییر ساختاری و تحول زیربنایی است و با توجه به قانون اساسی کشور، رویکرد اقتصاد از دولتی یا شبه دولتی به سوی اقتصاد رقابتی در سه بخش دولتی (رهاسازی، تصدی‌گری و تقویت حاکمیتی) خصوصی و تعاونی تغییر می‌یابد.

آقای حسین کشیری:

با توجه به صدور قطعنامه سازمان ملل و اقبالی که کشورهای اورپایی به برقراری و از سرگیری ارتباطات تجاری با ایران نشان می‌دهند و موقعیت ایران در منطقه و تاثیرگذاری آن در حل مشکلات منطقه خاورمیانه به‌ویژه عراق و سوریه، اینجانب به اجرایی شدن برنامه جامع اقدام مشترک و لغو تحریم‌ها نسبتاً خوش‌بین هستم.

البته تا لغو کامل تحریم‌ها و رفع کلیه محدودیت‌ها، زمان زیادی لازم است، با این وجود در صورت پابندی هر دو طرف به اجرای تعهدات مندرج در این برنامه، می‌توان به تحقق اهداف آن امیدوار بود. از سوی دیگر به نظر اینجانب، رفع تحریم‌ها در اقتصاد، نیازمند تغییر ساختاری و تحول زیر بنایی نمی‌باشد اگر چه رویکردها و جهت‌گیری‌های اقتصادی نیازمند تغییر است. نباید فراموش کرد که اقتصاد ایران صرفنظر از مسایل تحریم دارای مشکلات ساختاری از جمله وابستگی شدید به درآمد نفت است و بهره‌وری در تمام زمینه‌ها، بسیار پایین می‌باشد، برنامه‌های توسعه پنجساله معمولاً به‌طور کامل به اهداف خود نمی‌رسد و هیچگونه ارزیابی مستمری از تحقق اهداف این برنامه صورت نمی‌گیرد. به‌ویژه شاخص‌های کلان اقتصادی مورد هدف در برنامه‌ها معمولاً تحقق نمی‌یابد. پاسخگویی و شفافیت پایین است، مقررات دست و پاگیر مانع تسهیل امور تجاری می‌گردد، نرخ تورم و سود بانکی یا هزینه تأمین سرمایه بالاست، اشتغال بسیار پایین است. برنامه‌ریزی جامعی در خصوص بکارگیری ظرفیت‌های اقتصادی از جمله نیروی انسانی جوان و بکارگیری منابع اقتصادی به‌صورت بهینه وجود ندارد و ائتلاف منابع به ویژه انرژی صورت می‌گیرد و حفظ محیط زیست کمتر مورد توجه قرار می‌گیرد. رفع تحریم‌ها، اگر چه می‌تواند بررسی برخی از مقولات اقتصادی از جمله تسهیل و پایین آوردن هزینه معاملات و در نهایت قیمت تمام‌شده محصولات و استفاده از موارد و کالا با کیفیت تأثیرگذار، لیکن برنامه‌ریزی و اصلاح ساختاری اقتصاد، فارغ از بحث تحریم‌ها باید در دستور کار قرار گیرد.

آقای محمود لنگری:

اجرائی شدن برداشتن تحریم‌ها و تأثیر اقتصادی آن بر کشور، به دو مرحله پذیرش و تداوم، قابل تفکیک است. منظور از پذیرش، تصویب و لازم‌الاجرا شدن برداشتن تحریم‌ها با طی نمودن مراحل قانونی لازم در کشورهای امضاکننده آن می‌باشد که وقایع دو ماهه اخیر شامل، موضع‌گیری مثبت کشورهای حوزه یورو و آماده سازی برای ورود به فعالیت‌های تجاری و صنعتی کشورمان به دلیل سفرهای متعدد هیأت‌های اقتصادی اروپایی به ایران، حمایت دولت آمریکا و تحقق نصاب‌های آرای مجالس نمایندگان و سنای آن کشور که منجر به تأیید برداشتن تحریم‌ها شد، لغو قطعنامه‌های قبلی و تصویب قطعنامه جدید در سازمان ملل و عدم نیاز به مصوبه قانونی در مجلس شورای اسلامی و بررسی آن به شکل محدود توسط کمیسیون مربوطه می‌تواند ما را به پذیرش آن خوشبین نماید زیرا این موارد می‌تواند پذیرش برداشتن تحریم‌ها را به قطعیت نزدیک کند، اما تداوم و پایداری آن می‌تواند به دلایلی در بلند مدت در هاله‌ای از ابهام قرار داشته باشد. مخالفت جریان‌های سیاسی و اقتصادی قدرتمند در هر دو طرف و فشارهای ایجاد شده از سوی این جریان‌ها در بلندمدت می‌تواند اثری فرسایشی را بر حفظ

و تداوم برداشتن تحریم‌ها باشد. از جمله، قدرت گرفتن حزب جمهوری خواه در انتخابات آینده ریاست جمهوری آمریکا می‌تواند شرایط را برای استمرار و پایداری برداشتن تحریم‌ها نامناسب سازد. به تفاوت‌ها و تضادهای دیرینه موجود در سایر حوزه‌های فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی، نظامی و... بین ایران و سایر کشورهای امضاکننده برداشتن تحریم‌ها باید توجه نمود. بدین ترتیب، گرچه پذیرش برداشتن تحریم‌ها می‌تواند تا حد زیادی قطعی تلقی نمود، اما ابهاماتی در رابطه با تداوم و پایداری بلند مدت آن وجود دارد که باید در تصمیم‌گیری‌های اقتصادی با احتیاط کامل با آن مواجه شد. تحمیل شرایط تحریم بر فضای اقتصادی کشور در طول سال‌های اخیر باعث بروز تغییرات اساسی در رویه‌های کاری و رویکرد عملیاتی گردیده است. این شرایط عملاً باعث برجسته شدن رویه‌های عادی و معمول انجام فعالیت‌های اقتصادی بالاخص در سطح بین‌المللی و ترویج سازوکارهای هماهنگ با شرایط تحریمی گشته است. با اجرایی شدن برداشتن تحریم‌ها می‌توان انتظار رفع بخش قابل توجهی از تحریم‌ها را داشت، در این شرایط تغییر به موقع و مناسب ساختارها، رویه‌های کاری و عملیاتی به منظور تطابق با شرایط جدید بسیار حائز اهمیت است. از جمله توجه به توسعه و بهبود زیر ساخت‌های تولیدی، از اصلی‌ترین ضروریات بهره‌گیری از فرصت‌های شرایط پساتحریم است. درحقیقت می‌توان با تمرکز بر مزیت‌های رقابتی کشور در زمینه صنایع تولیدی، امکان توسعه صادرات و کسب منافع قابل توجه را فراهم نمود. از طرفی، اجرایی شدن برداشتن تحریم‌ها می‌تواند زمینه را به منظور ورود سرمایه‌گذاران خارجی در ایران مهیا سازد که در این شرایط نیز توجه به اولویت طرح‌های سرمایه‌گذاری، انتقال فناوری، افزایش سطح اشتغال و همچنین تغییر زیرساخت‌های قانونی و مقرراتی به منظور ایجاد اطمینان در جذب هرچه بیشتر سرمایه‌های خارجی بسیار حائز اهمیت است. ارتباطات گسترده بانکی در عرصه بین‌المللی نیز می‌تواند تاحد قابل توجهی استفاده از فرصت‌های یاد شده در شرایط پساتحریم را تسهیل نماید، به علاوه، عامل رقابت که با حضور رقبای خارجی در اقتصاد کشور شکل خواهد گرفته باید به عنوان یک عامل سازنده تلقی شود.

آقای محمدجواد صفار سفلائی:

من به این موضوع خوش‌بین هستم. دلیل این خوش‌بینی را در عزمی ملی می‌بینم که برای از بین بردن این مشکلات همه جانبه در مسئولان رده بالای کشور احساس می‌کنم. به نظر من، رفع تحریم‌ها، به خودی خود، کمکی به اوضاع اقتصادی و اجتماعی کشور نمی‌کند. این امر نیازمند تغییرات ساختاری و زیر بنایی است. این تغییرات، موضوعاتی چون اصلاح ساختار مالیاتی، بهبود ترکیب بودجه‌های سالانه، استقلال بانک مرکزی و بالاخره قانونگرایی در همه سطوح را می‌طلبد.

تأثیر و یا اثرات فروش نفت در دوران پساتحریم را بر درآمدهای ارزی ایران چگونه ارزیابی می‌کنید؟ از دیدگاه شما، در صورت افزایش درآمدهای ارزی، این وجوه چگونه باید به مصرف برسند؟

آقای غلامحسین دوانی:

با توجه به آمارها و گزارش‌های جهانی بازگشت نفت به عصر طلایی هر بشکه یکصد دلار حداقل تا سال ۲۰۲۰ امکان‌پذیر نخواهد بود اگرچه هیچکس قادر به پیش‌بینی صد در صدی نیست لذا حتی با فرض خوش‌بینانه متوسط هر بشکه نفت بین ۵۰ الی ۶۰ دلار، کشور نیازمند سرمایه‌گذاری‌های وسیعی در حوزه نفت، گاز و پتروشیمی و سایر صنایع می‌باشد که ذخایر ارزی ما کفاف آن را نمی‌دهد. با فرض افزایش درآمدهای ارزی صنعت و تولید، صنایع اشتغال‌زا و زیرساخت‌های عمرانی کشور در اولویت هستند. لذا با فرض بازگشت با سال ۹۰-۱۳۸۹ درآمدهای ارزی کشور حداکثر رقمی بین ۴۵ تا ۶۰ میلیارد دلار برآورد می‌شود که به نظر می‌رسد حتی برای انجام و تکمیل طرح‌های نیمه‌تمام نیز کفایت نداشته باشد. اما به هر حال با کاهش هزینه‌های جاری دولت، سهمیه‌بندی مناسب ارزی، حذف سهمیه‌های نهادهایی که عملاً نقشی در توسعه اقتصاد ندارند باید کوشش نمود تا از طریق توسعه صنعت و تولید صف بیکاری را شکست و با اشتغال بیشتر امنیت کشور را تداوم بخشیم. کنترل ارز و سهمیه‌بندی و جلوگیری از ولنگاری ارزی و عدم تخصیص ارز به سازمان‌ها و نهادهایی که باری بر دوش ملت هستند از یکطرف و فعال کردن صندوق توسعه ارزی و تشویق بنگاه‌های صادراتی از طریق سهمیه بیشتر ارزی به شرط بازگشت ارز صادراتی به داخل کشور، موضوعات مهمی هستند که در مصرف درآمدهای ارزی باید مورد توجه قرار گیرند.

آقای مجتبی علیمیرزایی:

با رفع تحریم‌ها، انتظار بجا وجود دارد که درآمدهای ارزی کشور افزایش یابد اگر چه قیمت نفت به میزان قابل توجهی کاهش یافته است. بدیهی است افزایش میزان فروش به شدت وابسته به سرمایه‌گذاری‌هایی است که باید در صنعت استخراج نفت و گاز صورت گیرد. هر گونه وجوه حاصل از افزایش درآمد ارزی نهایتاً باید طبق برنامه‌های جامعی مصرف گردد که از سوی سیاست‌گذاران اقتصادی کشور تهیه می‌شود و بنظر می‌رسد که اولویت آنان در این خصوص، ضمن در نظر داشتن نیازهای فوری مردم، سرمایه‌گذاری‌های زیر بنایی، به ویژه در مواردی باشد که بازده بهینه برای کل اقتصاد، کشور به همراه داشته باشد.

آقای حسین کثیری:

فروش نفت تابع عرضه و تقاضا و قیمت بازارهای جهانی است و با توجه به اینکه نفت به عنوان یک منبع طبیعی خدادادی میان نسلی است نباید به آن چوب حراج زد و به هر قیمتی آنرا صادر نمود. کما اینکه دولت آمریکا به‌رغم داشتن منابع عظیم نفتی خود واردکننده نفت می‌باشد. اما رفع تحریم‌ها موجب سهولت مبادلات و صادرات نفتی خواهد شد. تحریم‌ها موجب شدند که صادرات نفت به کمتر از یک سوم کاهش یابد مضافاً ایران نتواند به وجوه نفت فروخته شده نیز به راحتی دسترسی پیدا کند. ضمن آنکه بدلیل تحریم‌ها و بالا رفتن هزینه بیمه و حمل درآمد خالص نیز کاهش یافت. عدم امکان دسترسی و عدم امکان نقل و انتقال وجوه موجب سپرده‌گذاری نابجا و مصرف آن در موارد نا مشخص گردیده است. لذا رفع تحریم‌ها موجب می‌شود که اولاً ما بتوانیم برنامه‌ریزی بهتری روی در آمد نفتی بنماییم. طبعاً درآمد نفتی در کل افزایش خواهد یافت که البته این موضوع بستگی به قیمت نفت صادراتی خواهد داشت. ثانیاً وجوه حاصل از فروش نفت قابل دسترسی و برنامه‌ریزی خواهد بود، اما اینکه این وجوه چگونه باید مصرف شود بستگی به بودجه کشور دارد.

بودجه کشور بیانگر درآمدها و هزینه‌ها (مصارف) می‌باشد. این مصارف یا هزینه‌ها بخش جاری و بخش سرمایه‌ای است. طبعاً افزایش درآمد موجب اجرای بخش سرمایه‌ای و طرح‌های عمرانی خواهد گردید که قبلاً به دلیل کاهش و عدم دسترسی به منابع نفتی منفعل مانده‌اند. بخشی از آن نیز به مصرف سرمایه‌گذاری در توسعه میادین نفتی خواهد رسید. به‌هر حال باید توجه داشت که این وجوه نباید به مصرف کالاهای وارداتی و لوکس برسد و موجب افزایش نقدینگی و تورم و اصطلاحاً بیماری هلندی گردد.





آقای محمد حسینی منش:

فروش نفت، همواره بخش قابل ملاحظه‌ای از درآمدهای دولت خواهد بود. ارزش حاصل از آن در بخش زیرساخت‌های مهم از قبیل بازسازی صنعت نفت و گاز، پتروشیمی، فرودگاه‌ها، ناوگان هوایی، خطوط ریلی، جاده سازی، مدیریت منابع آب، کشاورزی و... به مصرف برسند.

آقای محمود لنگری:

بازپس‌گیری جایگاه قبلی تولید نفت ایران در اوپک، مستلزم صرف زمان و هزینه است، اما قدر مسلم قرار گرفتن در سطح تولید حدود ۴ میلیون بشکه در روز براساس پیش‌بینی کارشناسان مربوط می‌تواند درآمد ارزی قابل ملاحظه‌ای برای کشور ایجاد نماید، در عین حال، توسعه فناوری‌های استخراج نفت و گاز، امکان دسترسی به منابع عظیمی از نفت و گاز در دنیا را فراهم می‌نماید که انتظار می‌رود با افزایش عرضه نفت خام به بازارهای جهانی، کاهش قیمت آن را نیز در پی داشته باشد. از این رو، سرمایه‌گذاری درآمدهای ارزی فروش نفت در صنایع پایین دستی و کاهش مستمر اتکای دولت به درآمدهای فروش نفت خام از جمله رویکردهای اساسی دوران پساتحریم خواهد بود.

آقای حسین کثیری:

سیاست ارزی دولت باید در جهت متعادل نگه‌داشتن نرخ ارز و کنترل نوسانات آنی باشد نه لزوماً پایین آوردن نرخ ارز، زیرا اقتصاد ایران قبلاً هزینه افزایش ناگهانی نرخ ارز را تحمل نموده است. فراموش نشود که پایین آمدن نرخ ارز موجب کاهش صادرات کالاهای غیر نفتی و عدم رقابت‌پذیری آنها خواهد گردید. سیاست دیگر باید تخصیص بهینه منابع ارزی به کالاهای و طرح‌های سرمایه‌ای و زیر ساختی و طرح‌های اشتغال‌زاست. طرح‌هایی که دارای ویژگی نوآوری و اشتغال‌زایی است، طرح‌هایی که اقتصاد را از رکود خارج می‌نماید؛ طرح‌هایی که مشکل ناشی از رکود فعلی را می‌کاهد.

آزادسازی ۳۰ میلیارد دلار از دارایی‌های ارزی بلوکه شده به معنای افزایش درآمد و خرج آن نیست. زیرا مبالغ ریال این وجوه قبلاً در اختیار دولت قرار گرفته و مصرف شده است. آزادسازی به معنای تسهیل در نقل و انتقال وجوه ارزی پیشگفته است و به این معناست که بانک مرکزی دیگر پس از رفع محدودیت‌های نقل و انتقال وجوه ندارد، نیازی به ایجاد محدودیت در نقل و انتقال و در اختیار گذاشتن ارز در بازار فروش و نقل و انتقال ارزی مشابه قبل نخواهد داشت و جریان مبادلات و نقل و انتقال ارز تسهیل خواهد شد. اما مصرف و تخصیص ارز به واردات کالا کاملاً برنامه‌ریزی

شده و برحسب اولویت‌ها صورت خواهد گرفت و به عبارتی، این تسهیل نباید منجر به ورود کالاهای غیر ضروری و با کیفیت پایین و لطمه زدن به تولیدکنندگان داخلی کالای مشابه گردد. شاید بهترین مصرف، مصارف و کالاهای و پروژه‌های سرمایه‌ای و سرمایه‌گذاری در طرح‌های اشتغال‌زا و نوآور خواهد بود.

آقای محمدجواد صفار سفلائی:

نفت بدون تردید تأثیرات عمده‌ای بر اقتصاد کشور داشته است و دارد و خواهد داشت. هر چند تاکنون استفاده مناسبی از آن نشده و بیشتر آثار منفی تا مثبت بر وضعیت اقتصادی و اجتماعی ما داشته است. بنابراین نفت و درآمدهای نفتی را در ذات خود ارزش‌آفرین و دارای تأثیر مثبت بر اقتصاد نمی‌دانم، بلکه نوع استفاده از آن است که تعیین‌کننده آثار مثبت یا منفی آن بر اقتصاد است. من امیدوارم و فقط امید دارم تحولات دهه‌ها و سال‌های اخیر راه کارهای استفاده درست از نفت و درآمدهای آن را که البته در بسیای از کشورها بیشتر به کار رفته است به ما آموخته باشد. استفاده از نعمت‌های خدادادی باید با تعقل و نیز با توجه به نیازهای امروز و به ویژه فردا برنامه‌ریزی و اجرا شود. با توجه به محدودیت‌های ارزی که در چند سال اخیر داشته‌ایم و نیز آینده نه چندان خوشایند پیش رو، سیاست‌های ارزی کشور باید بسیار صرفه‌جویانه و بدور از لوکس‌گرایی باشد. منابع ارزی عمدتاً نفتی باید صرف زیر ساخت‌های تولیدی، صنعتی و مولد شود از استفاده زیانبار آن در هزینه‌های جاری دولت خودداری شود.

وضعیت جذب سرمایه‌گذاری‌ها را در روزهای پسا تحریم چگونه ارزیابی می‌کنید؟ چه پیشنهاد و یا توصیه‌هایی برای اجرای این مسأله مهم اقتصادی دارید؟

آقای مجتبی علمیرزایی:

با توجه به اینکه طی سال‌های متمادی و بدلیل مشکلات ناشی از تحریم، امکان سرمایه‌گذاری در بخش‌های مفید اقتصادی فراهم نشده است، بنابراین نیاز بخش‌های مختلف به ویژه بخش‌های تولیدی و خدماتی، به ارز، بسیار زیاد به نظر می‌رسد و انتظار نمی‌رود در مدت حداقل ۵ سال، به توازن برسد. بنابراین تخصیص ارز به بخش‌های گوناگون باید بر اساس برنامه‌ریزی مناسب صورت گیرد. یکی از لوازم این برنامه‌ریزی، انجام مطالعات لازم توسط معاونت برنامه‌ریزی رئیس‌جمهوری، سازمان برنامه و بودجه سابق) می‌باشد به گونه‌ای که با انجام تجزیه و تحلیل‌های لازم، اولویت‌ها را مشخص کند. همان‌گونه که قبلاً عرض شد سرمایه‌گذاری‌های زیر بنائی و اشتغال‌زا می‌تواند اولویت اصلی قرار گیرد. بدیهی است با این شیوه برنامه‌ریزی، از خروج ارز برای کالاهای غیر ضروری خودداری خواهد شد.

همچنین اتخاذ سیاست‌هایی برای متوازن کردن نرخ برابری ارز متناسب با نرخ تورم سالانه کشور نیز از جمله ضروریات است به

گونه‌ای که از تجربه تلخ گذشته در خصوص افزایش یکباره نرخ ارز در سال‌های ۹۱ و ۹۲ اجتناب شود که موجب تغییرات اساسی در شرایط اقتصادی مردم گردید و توازن ثروت را به نفع قشر مرفه جامعه بهم زد، و همچنین به گونه‌ای مناسب از خروج ارز ناشی از سرمایه‌گذاری در کشور با نرخ سود بانکی بالا و تبدیل آن به ارز نیز جلوگیری می‌شود. فراموش نکنیم اتخاذ چنین سیاستی باید همراه با کاهش تورم و نیز افزایش درآمد مردم به میزان تورم سالانه باشد. با توجه به اینکه اساساً سرمایه با در نظر گرفتن بازده و ریسک راه خود را پیدا می‌کند و از آنجا که نرخ بازده سرمایه‌گذاری در کشور پیش از تحریم و حتی در برخی فعالیت‌ها در دوران تحریم، مناسب بوده است بنابراین دولت باید به اقداماتی مبادرت ورزد که ریسک سرمایه‌گذاری را کم کند. اگر چه کشور حتی در شرایط تحریم و قراردادن در منطقه پر تنش از امنیت نسبتاً خوبی برخوردار بوده است با این حال سرمایه‌گذاران خارجی به دلایل شرایط تحریم و نیز احتمال بروز شرایط نامطلوب سیاسی تمایلی به آوردن سرمایه نداشتند ولی اینک می‌توان امیدوار بود که یکی از مشکلات اصلی این امر حل شده باشد با این حال ایجاد شرایط لازم برای تضمین خروج اصل سرمایه و بازده آن و همچنین شفاف‌سازی در مقررات مالیاتی، شاید از مهم‌ترین مواردی باشد که مستلزم بازنگری اساسی در قوانین باشد.





و توسعه صنعت و اقتصاد کشورمان را به همراه داشته باشد، حتی ایجاد محدودیت در زمینه سرمایه‌گذاری در بخش‌های فاقد اولویت که با مزیت‌های رقابتی کشور و یا با مباحث انتقال فناوری در تضاد است نیز می‌تواند باعث تخصیص بهینه سرمایه‌گذاری شود. به علاوه، ایجاد زمینه‌های قانونی قابل اتکا برای حصول اطمینان از کیفیت و کمیت جذب سرمایه خارجی حائز اهمیت است. از طرفی، ایجاد فضای مناسب به منظور ورود سرمایه‌گذاران خارجی مستلزم ایجاد زیرساخت‌های مطمئن، قابل درک و قابل اتکای اطلاعاتی است. تهیه و تدوین گزارش‌ها و صورت‌های مالی طبق استانداردهای بین‌المللی و تدوین و ارائه گزارش‌هایی چون اطلاعات مالی به زبان XBRL از جمله مواردی است که می‌تواند در ایجاد این شرایط نقشی حیاتی ایفا نماید. تحقق چنین شرایطی با کاهش عدم اطمینان سرمایه‌گذاران بالقوه خارجی در رابطه با ورود به بازارهای ایران، به‌عنوان عاملی انگیزشی در این مسیر محسوب خواهد شد.

آقای حسین کثیری:

همان‌گونه که در سیاست‌های اقتصادی دولت آمده است. نحوه تقابل با دولت‌های خارجی مشتاق با برقراری روابط تجاری پساتحریم باید بر مبنای سرمایه‌گذاری مشترک و انتقال فناوری و دانش فنی باشد. به عبارتی، مشارکت و سرمایه‌گذاری در طرح‌های اشتغال‌زا با استفاده از فناوری‌های نوین و تولیداتی که جنبه صادراتی داشته و به‌عنوان بخشی از تولیدات را صادر نمود. به عبارتی رابطه تجاری باید بر اساس موازنه تراز خارجی و رابطه برد-برد باشد که از جمله معاملات به شکل (BOT) را می‌توان نام برد. توضیح اینکه تمایل خارجی‌ها معمولاً بر مبنای فروش کالا و مواد به کشور است که باید حتماً به موضوع سرمایه‌گذاری خارجی توجه ویژه‌ای گردد. در درجه اول، مقررات دست و پاگیر بر سر راه سرمایه‌گذاری خارجی بسته شود تا بتواند به راحتی سرمایه‌گذاری خارجی انجام گیرد. بدیهی است که رونق اقتصادی و افزایش اشتغال بستگی مستقیم به سرمایه‌گذاری به‌ویژه سرمایه‌گذاری خارجی دارد.

آقای محمدجواد صفار سفلائی:

سرمایه‌گذاری خارجی در بلندمدت به دنبال سرمایه‌گذاری در بنگاه‌هایی است که ارزش افزوده واقعی ایجاد کنند. چنین بنگاه‌هایی در ایران اما کمتر به چشم می‌خورد به ویژه در بنگاه‌های بزرگ که اغلب شبه بنگاه‌های بزرگ اداره نمی‌شوند. به نظر می‌رسد انجام عملی سرمایه‌گذاری خارجی در ایران مستلزم تغییراتی اساسی به ویژه در زمینه‌های آزادسازی اقتصاد و برون‌رفت از اقتصاد ناکارآمد دولتی و شبه دولتی و پیامدهای ناگزیر آن است: انحصارات، رانت و تولید کالاهای غیر قابل رقابت و نامرغوب.

آقای غلامحسین دوانی:

متأسفانه با اعمال سیاست‌های غلط گذشته و بر باد دادن منابع عظیم ارزی و فقدان زیرساخت‌های سرمایه‌گذاری، ما بسیاری از مزیت‌های سرمایه‌گذاری را از دست داده‌ایم اما جغرافیای سیاسی کشور باعث می‌شود سرمایه‌گذاران خارجی نه به خاطر ایران که به مناسبت دست‌اندازی به کشورهای منطقه نظیر عراق، افغانستان و کشورهای آسیای میانه (CIS) بخواهند در ایران سرمایه‌گذاری کنند. در چنین حالتی، باید کوشش کنیم که سرمایه‌گذاری‌های خارجی با انتقال فناوری و دانش فنی به داخل کشور همزمان باشد تا بهره‌وری و فناوری در صنعت و تولید و خدمات نهادینه شود و با ترک سرمایه‌گذاران، کشور بتواند عملاً خود ادامه‌دهنده راه آنان باشد. تجربه کره جنوبی و چین نمونه‌های قابل تأملی در این رابطه هستند.

آقای محمد حسینی منش:

جذب سرمایه‌گذاری خارجی در روزهای پساتحریم، بیشتر در حوزه‌های سرمایه‌گذاری صنعت نفت، گاز، انرژی و پتروشیمی، خودروسازی و... می‌باشد؛ بدین ترتیب قوانین مربوط بازننگری شده و قراردادهای مرتبط با رعایت کامل مصالح کشور منعقد گردد.

آقای محمود لنگری:

به نظر می‌رسد شناسایی اولویت‌های سرمایه‌گذاری به منظور معرفی به سرمایه‌گذاران بین‌المللی، بیشتر می‌تواند پیشبرد



پیش‌بینی‌های زیادی وجود دارد که در دوران پساتحریم و با اجرای طرح جامع مالیاتی، درآمد مالیاتی کشور در سال‌های آینده افزایش یابد. از نظر شما، این افزایش تا چه میزان محقق شده و چه تأثیری بر اقتصاد ایران دارد؟

آقای هوشنگ نادریان:

تلاش‌های مسئولان مالیاتی برای استقرار نظام جامع در حال به ثمر رسیدن است. با تصویب اصلاحات قانون مالیات‌ها در مجلس، این زمینه هموارتر شده است، قطعاً دسترسی به اطلاعات جامع گردش کسب و کار، توان نظام مالیاتی برای رشد پایه مالیاتی و بهبود نسبت مالیات به تولید ناخالص ملی را افزایش می‌دهد. برآوردهای مسئولان مالیاتی نیز از اجرای این قانون افزایش جدی در درآمدهاست. نکته مهم در این مقطع برنامه‌ریزی برای استقرار کامل نظام جامع، استقرار پایگاه‌های اطلاعاتی، آموزش کارگزاران مالیاتی، نظارت مدیریتی بر اجرای سیستم و برخورد جدی با تخلفات مؤدیان و کارگزاران مالیاتی است. تقویت نظام جامع مالیاتی، تسهیل روش‌ها و آموزش مؤدیان گام مهمی در راستای عدالت مالیاتی و تأمین منابع لازم برای اداره کشور خواهد بود.

آقای مجتبی علمیرزایی:

اگر افزایش درآمد مالیاتی کشور ناشی از فعالیت‌های مالیات‌گرن باشد که در کشور کم نیست و عمدتاً فعالیت‌های رابطه‌ای و دلالی و قاچاق گسترده کالاها و.... را شامل می‌شود، می‌توان به تحقق این افزایش و مثبت بودن آن امیدوار بود. ولی چنانچه افزایش درآمد مالیاتی بر مبنای فشار بیشتر بر آن بخش از فعالیت‌های اقتصادی (اعم از کارمند و کارگران و یا بخش‌های تولیدی و خدماتی) باشد که در گذشته مالیات خود را پرداخت می‌کردند، می‌تواند آثار منفی در تولید به همراه داشته باشد و فشارهای مالیاتی حتی موجب کاهش سطح فعالیت این بخش‌ها و در نتیجه کاهش درآمد مالیاتی نیز بشود. اثر افزایش درآمد مالیاتی بر اقتصاد، در شرایطی می‌تواند مثبت ارزیابی شود که اولاً عدالت در اخذ آن برقرار شود و ثانیاً پاسخگویی در مصرف آن ایجاد شود. نباید این مطالب صرفاً در حد حرف باقی بماند و این موضوع امری است که باید برای همیشه فکری اساسی برای آن کرد.

آقای غلامحسین دوانی:

بدون شک در شرایط فقدان درآمدهای ارزی قابل ملاحظه توجه دولت به مالیات‌ستانی به ویژه در حالی که نظام جامع مالیاتی در حال فرآیند نهایی است بیشتر و بیشتر می‌شود. به نظر می‌رسد چنانچه دولت عزم جدی در برخورد با مالیات‌گريزان

قانونی و فراریان مالیاتی غیر قانونی داشته باشد دستیابی به منابع درآمدی قابل ملاحظه‌ای در کشور وجود دارد اما متأسفانه در همین اصلاحیه مصوب تیرماه ۱۳۹۴ مجدداً بسیاری از نهادهایی که عملاً ۲۰ الی ۲۵ درصد از تولید ناخالص داخلی در اختیار آنهاست معاف از مالیات تلقی شده‌اند. لذا چنانچه این رویکرد اصلاح نشود و سازمان مالیاتی بخواهد صد درصد درآمدهای مالیاتی را از ۶۰ درصد تولید ناخالص داخلی اخذ کند نوعی بی‌سامانی در کشور به وجود خواهد آمد اما به هر حال ظرفیت درآمد مالیاتی در کشور بسیار بیشتر از رقم فعلی است. اگر این مالیات‌ها مصروف زیرساخت‌های عمرانی شود تأثیر آن بر اقتصاد، مثبت و چنانچه درآمدهای مالیاتی خرج هزینه‌های جاری دولت و کمک‌های بلاعوض به این یا آن کشور شود هیچگونه تأثیر خاصی بر اقتصاد کشور نخواهد داشت.

آقای محمد حسینی منش:

در رابطه با اجرای طرح جامع مالیاتی، چون اطلاعات مرتبط با کسب درآمد اشخاص مالیات‌گرایز غیر شفاف و غیر قابل دسترس است نسبت به پیاده‌سازی طرح جامع مالیاتی به طور کامل و موفق چندان خوش‌بین نبوده بنابراین درآمد مالیاتی کشور به آسانی افزایش نخواهد یافت.

آقای محمود لنگری:

انتظار معقول این است که شرایط پساتحریم، رونق اقتصادی را برای کشورمان به همراه خواهد آورد. درچنین شرایطی، بنگاه‌های اقتصادی و واحدهای تجاری با افزایش درآمد و از طرفی کاهش هزینه‌های انجام مبادلات تجاری بالاخص مبادلات بین‌المللی مواجه خواهند شد. به‌علاوه، ورود شرکت‌های خارجی باعث افزایش کیفی و کمی مؤدیان مالیاتی گشته و این امر هم به نوبه خود می‌تواند باعث افزایش مبلغ مالیات مطالبه شده از سوی دولت گردد. در ضمن توسعه و تکمیل نظام جامع مالیاتی، به گفته مسئولان، می‌تواند به شناسایی واقع بینانه درآمدهای مشمول مالیات و همچنین جلوگیری از فرار مالیاتی و هرگونه کتمان مالیات گردد. تمام این عوامل می‌تواند احتمال افزایش درآمد دولت از محل مالیات مؤدیان را در شرایط پساتحریم افزایش دهد. بدیهی است افزایش اتکای دولت به درآمدهای مالیاتی خود بخود باعث رونق اقتصاد کشور خواهد شد.

آقای حسین کثیری:

قانون مالیات‌های جدید از سال آینده قابل اجرا می‌باشد و به‌نظر می‌رسد با افزایش پایه‌های مالیاتی به‌ویژه مالیات بخش املاک و مالیات بر ارزش افزوده و بستن راه‌های فرار مالیاتی، تنبیهات و تشویقات، درآمد مالیاتی افزایش یابد. طبعاً رویکرد حرکت به سمت درآمدهای مالیاتی بجای درآمدهای نفتی، اثر مثبتی در کرائی اقتصادی و عدم وابستگی به درآمدهای نفتی بر اقتصاد خواهد داشت لیکن میزان و کیفیت خدمات ارائه شده توسط دولت به‌ویژه خدمات در حوزه بهداشت، آموزش و سلامت نیز باید همزمان با افزایش درآمد مالیاتی ارتقا یابد و عدالت مالیاتی حاکم شود و افراد جامعه حس کنند که مقررات مالیاتی بر همه حاکم است و خدمات مناسب در مقابل مالیات داده شده، اخذ می‌گردد.

آقای محمدجواد صفار سفلائی:

افزایش درآمدهای مالیاتی بیش از آنکه به مسائل تحریم مرتبط باشد که البته هست، بیشتر به اقتصاد زیرزمینی و قاچاق افسارگسسته فعلی مرتبط است. این موارد هر چند از چشم مسئولان پنهان نیست، اما عزم ملی در مورد مقابله با آن وجود ندارد. اصلاح ساختار مالیاتی و پیش درآمد آن شفافیت فعالیت‌های اقتصادی از اولین مسائلی است که نیازمند توجه خاص همه آحاد دولت و ملت است.





ارتقای تولید داخل در دوران پساتحریم از اهمیت زیادی برخوردار است. پیشنهادهای شما برای رونق هرچه بیشتر تولید داخل با توجه به بخش‌های با اهمیت تولید اتومبیل و مسکن چیست؟

آقای مجتبی علیمیرزایی:

با رفع تحریم‌ها اساساً انتظار این است که به دلیل افزایش کیفیت تولید و کاهش برخی از هزینه‌های ارزی تولید، قیمت تمام شده کاهش یابد. امری که در خصوص بازار خودرو در این روزها شاهد هستیم و ظاهراً هر دو طرف در این مناقشه حق دارند. به هرصورت این موضوع می‌تواند یکی از موارد قابل بررسی برای ارتقا تولید از نظر کمی و کیفی باشد چون عدم توجه به موقع ممکن است آثار نامطلوب بر صنعت خودرو کشور داشته باشد در ضمن به منظور ارتقای تولید با کیفیت (و نه تولیدی که درک و فهم مصرف‌کننده را به سخره می‌گیرد)، جلوگیری از ورود قانونی کالاهای مشابه و همچنین بستن راه‌های قاچاق کالا اجتناب ناپذیر است. این مورد اخیر از لوازم اساسی کشور است که می‌تواند تحول اساسی در کلیه زمینه‌ها از جمله افزایش تولید، افزایش درآمد گمرکی کشور، افزایش درآمد مالیاتی و..... ایجاد کند.

به نظر می‌رسید با توجه به کاهش قدرت خرید مردم ناشی از افزایش نرخ ارز در سال‌های ۹۱ و ۹۲ اساساً تقاضای واقعی برای مسکن کاهش یافته است. در عین حال، طبق آمارها میزان پروانه‌های ساخت طی ۵ ماهه ابتدای سال و نیز سال ۱۳۹۳ نسبت به دوره‌های مشابه کاهش یافته است از سوی دیگر، خریدارانی که صرفاً جهت نوسان‌گیری به بازار وارد می‌شوند فعلاً از این بازار خارج شده‌اند. مضافاً، افزایش وام مسکن نیز چاره‌ساز نبوده و ظاهراً قدرت خرید را چندان افزایش نداده است. بنابراین انتظار می‌رود در ۲ الی ۳ سال آینده وضعیت مسکن از نظر قیمتی شاهد تغییرات مثبت یا منفی قابل تأملی نباشد.

آقای غلامحسین دوانی:

با توجه به رقم بیکاری که تا حدود ۵ میلیون نفر می‌باشد و همچنین ترکیب جوان جمعیتی کشور و سیل دانش‌آموختگان، راهکاری به جز راه‌اندازی چرخ تولید و صنعت در درجه اول و خدمات در درجه دوم وجود ندارد. صنعت اتومبیل کشور همچون شمشیر داموکلس است. اگر بخواهد سیاست‌های فعلی خود را که همانا عرضه محصولات بی‌کیفیت است ادامه دهد، وبال گردیده ملت بوده و سیل واردات، آن را نابود می‌سازد. اما چنانچه با بکارگماري مدیران شایسته بتواند با استفاده از تکنولوژی‌های مدرن، اتومبیل‌های باکیفیت عرضه کند می‌تواند علاوه بر بازار داخلی، بازارهای

کشورهای منطقه نظیر عراق، افغانستان و کشورهای آسیای میانه را هم تسخیر کند. که این مهم، عزم جدی، مدیران شایسته و حمایت ملی می‌خواهد.

این موضوع در صنعت پتروشیمی و سیمان نیز حاکم است. باید از طریق محدودیت‌های صادرات مواد خام کوشش کنیم صنایع واسطه‌ای پتروشیمی را گسترش دهیم تا ارزش افزوده آن نصیب کشور گردد.

بخش مسکن، از بازارهای اصلی ایران قلمداد می‌شود. اما خوشبختانه در شرایط فعلی، رکود در بخش بورس‌بازی مسکن کاهش یافته و به نظر می‌رسد شرایط فعلی و آینده بخش مسکن مشابه سابق نگردد و مسکن که از نیازهای اولیه هر شهروند ایرانی است از گردونه سرمایه‌گذاری و بورس‌بازی خارج شود. اما به هر حال واقعیت آن است که سالیانه نیازمند حدود یک میلیون واحد مسکونی هستیم که فعلاً قدرت خریدی برای عرضه‌های حال حاضر وجود ندارد؛ مگر آنکه در شرایط پساتحریم با استفاده از فناوری‌های روز بتوان سرعت ساخت و ساز و نوع ساخت و ساز را بطریقی انجام دهیم که قیمت تمام شده را کاهش دهد و عرضه مسکن بتواند با قدرت خرید برابری کند.

آقای محمد حسینی‌منش:

برای ارتقای تولید داخل در دوران پساتحریم، بازنگری تعرفه‌های واردات و ممنوع نمودن واردات کالاهای غیر ضروری و پرمصرف پیشنهاد می‌گردد.

آقای محمود لنگری:

مطالعه جامع و کامل به منظور شناسایی حوزه‌های

صنعتی که در آنها دارای مزیت نسبی و رقابتی هستیم و تنظیم نقشه راه به منظور توسعه این صنایع، توجه بیشتر به صنایع کوچک و متوسط، اصلاح قوانین صادرات و واردات، شرط انتقال فناوری، تمرکز بر صنایع دانش بنیان، اصلاح قوانین و مقررات مالیاتی، تعیین تکلیف سرمایه گذاری های نیمه تمام قبلی دولت و ایجاد مشوق های صادراتی می تواند از جمله باعث رونق بیشتر تولید شود.

مسکن و صنایع وابسته به آن بخش عمده ای از نقدینگی را به خود اختصاص داده است و آن را می توان موتور محرک اقتصاد کشور دانست. به هر حال، افزایش قدرت خرید عمومی به واسطه رونق اقتصادی حاصل از شرایط پساتحریم نیز می تواند تا حدی فشار تقاضا را در بخش مسکن بالا ببرد. عوامل متعددی از جمله بهبود الگوها و سیاست های شهرسازی، ارتقای فناوری ساخت مسکن بمنظور افزایش کیفیت و کاهش زمان و تأمین مالی مناسب توسط بانک ها می تواند در رونق مسکن، نقش مؤثری داشته باشند.

آقای حسین کثیری:

ارتقای تولید و افزایش کیفیت محصولات داخلی، از اهمیت بسیاری برخوردار است، لیکن این مهم زمانی تحقق می یابد که اقتصاد از حالت رکود فعلی خارج شود. در حال حاضر، واحدهای تولیدی به ویژه تولیدات فولاد، سیمان و اتومبیل در کشور با مازاد موجودی مواجه اند و این «بحران موجودی» و «بحران حساب های دریافتنی» لطمات بسیاری را به تولید زده است؛ به عبارتی، کارخانجات در حال حاضر، قادر به فروش کالا به دلایل رکود اقتصادی نمی باشند و همچنین نمی توانند وجوه حاصل از فروش های قبلی خود را وصول نمایند و این موضوع همزمان با کاهش قدرت تسهیلات دهی بانک ها موجب «بحران نقدینگی» برای

آنها شده است اگر چه اجرای قانون رفع موانع تولید رقابت پذیر و ارتقای نظام تا کشور بخشی از این بحران ها را خواهد کاست لیکن رکود اقتصادی فعلی مانع از افزایش تولید می گردد. رونق تولید به عواملی چون «افزایش بهره وری» و «افزایش کیفیت» و «رقابت پذیر و بازار پذیری» محصولات بستگی دارد. رفع تحریم ها صرفاً می تواند حق انتخاب برای استفاده از «منابع و مواد اولیه با کیفیت» گردد ضمن آنکه رفع تحریم ها، موجب کاستن «هزینه معاملات» به ویژه هزینه های بیمه، حمل و نقل و انتقال وجوه ارزی و کاهش قیمت تمام شده تولید و رقابت آن را به همراه خواهد داشت. در خصوص تولید اتومبیل، باید به این موضوع توجه شود که آیا تولید اتومبیل، دارای مزیت اقتصادی است یا خیر؟ و چرا تولید اتومبیل در ایران دارای «کیفیت پایین» و «قیمت بالا» در مقایسه با تولیدات خارجی است؟ به عبارتی، در دوران پساتحریم، نمی توان این چرخه باطل را ادامه داد.

از سوی دیگر، تولید مسکن، موتور محرکه بخش اقتصادی محسوب می شود. بخش مسکن، بخش پیشران اقتصاد تلقی می شود با افزایش تولیدات مسکن بیش از ۱۳۰ صنعت وابسته از جمله فولاد، کاشی، مصالح ساختمانی و رونق می گیرد. لذا کمک به توسعه و گسترش تولید مسکن به ویژه تأمین مالی سالم این بخش، اهمیت بسزایی در اقتصاد و خروج از رکود اقتصادی است. لیکن ساختن مسکن باید با توجه به کیفیت آن، سازگاری با محیط و متناسب با وضعیت اقتصادی خانوار صورت گیرد و نیازهای آحاد ملت و جامعه به ویژه اقشار کم درآمد و زوج های جوان مورد توجه قرار گیرد. با توجه به نقش سنتی مسکن در اقتصاد ایران به نظر می رسد ساخت و تولید مسکن و سرمایه گذاری در این بخش در آینده گسترش یابد. البته این امر باید همراه با بهبود و افزایش زیر ساخت ها نظیر آب و برق، گاز و تلفن و خدمات شهری صورت گیرد.

آقای محمدجواد صفار سفلائی:

ارتقای کمی و کیفی تولید آرزوی هر ایرانی است. این ارتقا است که می تواند ارزش پولی ملی را حفظ کند و از بحران فعلی تورم و رکود بکاهد. آزادسازی اقتصاد به منظور ایجاد بازارهای رقابتی و حذف رانت های پنهان و آشکار، می تواند تولید را از نظر کمی و کیفی ارتقا بخشد.

فعالیت بخش مسکن تفاوتی با بخش تولید ندارد، جز اینکه از جهت استانداردهای ساخت، نسبت به برخی بخش های تولیدی، فاصله بیشتری با استانداردهای جهانی دارد. نظارت پروژه های مسکن از مطلوبیت لازم برخوردار نیست و حداقل استانداردهای اجباری مربوط در عمل رعایت نمی شود. سرمایه گذاری در این زمینه، به منظور بهبود کیفی ساخت و ساز ضرورت دارد.



رفع تحریم‌ها، تا چه میزان موجب گسترش شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار می‌شود و ساز و کارهای مطلوب برای گسترش این فعالیت‌ها چیست؟ این تغییرات چه تأثیری بر حرفه حسابرسی دارد؟

آقای مجتبی علیمیرزایی:

اساساً رفع تحریم‌ها بر کلیه بخش‌های کشور تأثیر مثبت دارد و این امر نیاز به تأکید ندارد. رفع موانع تولید، کاهش قیمت تمام شده، رفع مشکلات ناشی از نقل و انتقال ارز، دسترسی به فناوری روز دنیا، امکان خرید مواد با کیفیت و قیمت مناسب و... از آثار مثبت ناشی از رفع تحریم‌هاست که قطعاً موجب رشد اقتصادی و رشد درآمد شرکت‌ها خواهد شد که این امر به نوبه خود، موجبات مشارکت بیشتر مردم در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس را فراهم می‌کند. ولی شک دارم که رفع تحریم‌ها بر حرفه حسابرسی تأثیری غیر از افزایش اشتغال در این حرفه داشته باشد.

آقای غلامحسین دوانی:

دوران پساتحریم تأثیر خاصی در پذیرش شرکای بورسی نخواهد داشت. زیرا بازار بورس ایران تا زمانی که به بازارهای جهانی اتصال پیدا نکند نمی‌تواند فعال شود که این امر نیازمند ساماندهی ارزش پول ملی و تطابق پول ملی و ارزهای بین‌المللی خواهد بود که شاید به سادگی امکان‌پذیر نباشد. اما دوران پساتحریم چون باعث حضور سرمایه‌گذاران خارجی و نیاز شرکای بورسی به گزارشگری جدید (IFRS) می‌شود موجبات گسترش حسابرسی را فراهم خواهد آورد. از طرف دیگر، چون دولت به درآمدهای مالیاتی توجه بیشتری خواهد نمود تقاضا برای ارائه صورت‌های مالی حسابرسی شده افزایش خواهد یافت که موجبات توسعه حرفه حسابداری و حسابرسی را بوجود می‌آورد.

آقای هوشنگ نادریان:

ساز و کار بازار سرمایه، عامل مؤثری در شفافیت اقتصادی و حمایت از سرمایه‌گذاری‌های مردمی است. قطعاً با رونق اقتصاد، بازار سرمایه نیز درگیر در این رونق و تحول خواهد شد. هرچه میزان اقتصادی‌تر و سودآورتر کردن، قابل اعتمادتر کردن، شفافیت و پایداری فعالیت‌های کسب و کار افزایش یابد، اقبال شرکت‌ها به پذیرفته شدن در بورس و سرمایه‌گذاران به حضور فعال در بازار سرمایه افزایش خواهد یافت. اگر بورس بتواند استانداردهای عملیاتی خود را با شرایط استانداردهای بین‌المللی تطبیق دهد قطعاً جذب سرمایه‌گذاران خارجی در بورس نیز با استقبال بیشتر و در حجم بالاتری قابل تحقق است. در این راستا، نقش مدیران و حسابداران در استقرار کنترل‌های داخلی اثربخش در راستای افزایش بهره‌وری، حفاظت از منابع و افزایش قابلیت

اعتماد گزارش‌های و حرفه حسابرسی در ارتقای شفافیت و اعتباردهی به اطلاعات مبنای تصمیم‌گیری کلیدی خواهد بود.

آقای محمد حسینی منش:

شفاف‌سازی موجب رونق کسب و کار حرفه حسابرسی

می‌گردد.

آقای محمود لنگری:

همانطور که گفته شد رفع تحریم‌ها اصولاً باعث گسترش فعالیت بنگاه‌های اقتصادی می‌گردد. شرکت‌های عضو بورس اوراق بهادار و بالاخص صنایعی مانند نفت و گاز و پتروشیمی از این قاعده مستثنی نبوده و بی شک تحقق شرایط پساتحریم می‌تواند باعث افزایش فعالیت آنها شود. به علاوه، پیش‌بینی افزایش رشد اقتصادی و حجم اقتصاد کشور خود بخود موجب گسترش شرکت‌های پذیرفته شده می‌گردد، لیکن این شرایط برای حسابرسان تبعاتی شامل افزایش ریسک حسابرسی، لزوم استفاده حسابرسان از فناوری‌های نوین، امکان ارائه خدمات متنوع حرفه‌ای، افزایش تسلط حسابرسان به استانداردهای بین‌المللی مانند استانداردهای گزارشگری مالی و... به همراه خواهد داشت.

آقای حسین کثیری:

چنانچه رفع تحریم‌ها موجب افزایش سرمایه‌گذاری در کشور شود، بازار سرمایه به عنوان تأمین‌کننده و تنظیم‌کننده سرمایه‌گذاری، رونق می‌یابد. از آنجایی که بازار سرمایه کارا مستلزم «شفافیت» «پاسخگویی» و «اطلاع‌رسانی» منبع و «حفظ حقوق سرمایه‌گذاران» و ذی‌نفعان می‌باشد و ورود سرمایه‌گذاری خارجی به این بازار و مشارکت در بازارهای بورس بین‌المللی مستلزم اعمال «حاکمیتی مطلوب» در شرکت‌ها است. لازمه حاکمیتی شرکتی مطلوب در شرکت‌های عضو بورس اوراق بهادار استقرار نظام‌های کنترل داخلی و گزارش‌های مالی مناسب و قابل اتکا و استقرار نظام حسابرسی مستقل و داخلی مطلوب و کمیته‌های حسابرسی مسئول در شرکت‌هاست. چنانچه اعتقاد به حاکمیت شرکتی، پاسخگویی، شفافیت مسئولیت‌پذیری و رعایت انصاف و حقوق ذینفعان در شرکت‌ها نهادینه شود ابزار حسابرسی توسعه و گسترش خواهد یافت. زیرا حسابرسی اساساً موجب اطمینان‌بخشی به بازار سرمایه از طریق اعتبارسنجی به گزارش‌های مالی و سیستم کنترل داخلی شرکت‌ها می‌باشد. بنابراین با توسعه و گسترش بازار سرمایه و ارتقای حاکمیت شرکتی مطلوب در شرکت‌ها، حرفه حسابرسی نیز متناسب با آن گسترش و توسعه خواهد یافت. ضمن آنکه این حرفه باید خود را با استانداردها و فناوری‌های روز حسابرسی هماهنگ نماید. به عنوان نمونه، سرمایه‌گذار خارجی نیاز به حسابرسی اطلاعات مالی شرکت‌ها و واحدهایی که در آنها سرمایه‌گذاری کرده دارد و حسابرسی باید بر اساس استانداردهای بین‌المللی گزارشگری مالی و استانداردهای حسابرسی صورت گیرد.

به نظر شما، رفع تحریم‌ها و به کارگیری اصول راهبری شرکت‌ها، تا چه میزان می‌تواند موجبات ارتقای کارایی و اثربخشی فعالیت‌های کمیته‌های هیئت‌مدیره شامل کمیته حسابرسی، حسابرسی داخلی، خدمات اطمینان‌بخشی و مشاوره گردد؟

آقای هوشنگ نادریان:

بهبود اداره هر بنگاه در گرو استقرار نظام‌های مناسب مانند اصول حاکمیت بنگاه است. ارتقای نقش اعضای غیراجرایی هیئت‌مدیره در نظارت بر عملکرد مدیران اجرایی، تقویت جایگاه حسابرسی مستقل و تأمین اطلاعات لازم برای اظهارنظر، تقویت حسابرسی داخلی دستگاه برای ایفای وظایف محوله به ویژه ارزیابی کنترل‌های داخلی، ارزیابی مستمر ریسک بنگاه و انجام اقدام لازم برای مدیریت آن، نظارت بر انتصاب مدیران و حقوق و مزایای آنان از جمله مواردی است که تماماً می‌تواند در خدمت یک حکمرانی خوب بنگاه‌ها قرار گرفته و از ثمره آن در سطح ملی و کلان کشور نیز بهره برد. اداره مطلوب هر بنگاه، افزایش بهره‌وری و سودآوری، شفافیت، انضباط، قابلیت اتکای اطلاعات، رعایت قوانین و مقررات، موجبات اخذ مالیات عادلانه، شفافیت در سطح اقتصاد و رشد شاخص‌های اقتصادی را فراهم نماید.

آقای مجتبی علیمیرزایی:

رفع تحریم‌ها به تنهایی اثری ندارد و به کارگیری اصول راهبری برای شرکت‌ها در همه شرایط حتی در شرایط تحریم می‌تواند موجبات ارتقای کارایی و اثربخشی فعالیت‌های کمیته‌های هیئت‌مدیره را فراهم نماید.

آقای غلامحسین دوانی:

به کارگیری اصول راهبری شرکت‌ها چه در تحریم و چه در پساتحریم، اثرات مثبتی در شفاف‌سازی و گسترش حوزه حسابرسی داخلی و کمیته حسابرسی خواهد داشت. زیرا این مقوله، اساساً ارتباطی به تحریم ندارد. اما بدون شک چنانچه سرمایه‌گذاران خارجی بخواهند در ایران سرمایه‌گذاری مستقیم در شرکت‌ها داشته باشند وجود عوامل پیشگفته در تقاضای آنها مؤثر خواهد شد. فراموش نکنیم که اساساً حضور سرمایه‌گذاران خارجی و حتی بعضاً سرمایه‌گذاران داخلی بدون استفاده از خدمات مشاوره‌ای و اطمینان‌بخشی میسر نمی‌باشد.

آقای محمد حسینی‌منش:

اداره کردن شرکت‌های بزرگ و متوسط مستلزم به

کارگیری اصول راهبری شرکت‌ها خواهد بود به تبع آن باعث ارتقای کارایی و اثربخشی فعالیت‌های کمیته‌های موصوف و حسابرسی، خدمات اطمینان‌بخشی و مشاوره می‌گردد.

آقای محمود لنگری:

اگر رفع تحریم‌های اقتصادی را زمینه‌ساز ورود سرمایه‌گذاران خارجی به بازارهای اقتصادی ایران، از جمله بازار سرمایه و بدانیم، باید بپذیریم که ایجاد و استقرار زمینه‌های اطلاعات و نظارتی اثربخش و مطمئن از ملزومات اساسی این امر است. در همین راستا، طراحی و استقرار اصول راهبری شرکتی مطلوب و مطابق با الگوهای پذیرفته‌شده بین‌المللی نقشی بسیار اساسی ایفا می‌نماید. بنابراین، نقش کمیته‌های مختلف هیأت مدیره و افزایش عملکرد آنها مورد توجه خاص قرار خواهد گرفت.

آقای حسین کثیری:

گسترش بازار سرمایه و سرمایه‌گذاری خارجی مستلزم ایجاد شفافیت، پاسخگویی، مسئولیت‌پذیری، رعایت انصاف و حقوق ذینفعان به عنوان اصول راهبردی یا حاکمیت شرکتی در بازار سرمایه است. استقرار نظام راهبری شرکت‌ها، مستلزم استقرار و فعال شدن کمیته‌های هیأت مدیره از جمله کمیته حسابرسی، نظام حسابرسی داخلی و حسابرسی مستقل، به عنوان ارکان اصلی ارتقای نظارت در حاکمیت شرکتی است. هرچه این فعالیت‌ها مستحکم‌تر و اثر بخش‌تر باشد، اطمینان سرمایه‌گذاران به ویژه سرمایه‌گذاران خارجی نسبت به این بیشتر می‌شود که شرکت در جهت اهداف سرمایه‌گذاران و ذینفعان حرکت کرده و بر فعالیت‌ها نظارت لازم صورت می‌گیرد. بالا رفتن اطمینان ریسک سرمایه‌گذاری را کاهش می‌دهد، از سویی، نیاز سایر خدمات اطمینان‌بخشی از جمله ارزیابی سهام، شرکت‌آزمایی، ارزشیابی طرح‌ها و... می‌گردد.

آقای محمدجواد صفار سفلائی:

بکارگیری اصول راهبری شرکت‌ها می‌تواند نقش عمده‌ای در ارتقای کارایی و اثربخشی فعالیت کمیته‌های هیأت مدیره و خدمات اطمینان‌بخشی و مشاوره شود.



به نظر شما، توسعه بازار سرمایه ایران در زمینه عرضه اوراق بهادار ایرانی به بازارهای جهانی و عرضه اوراق بهادار خارجی در بازار ایران، تا چه میزان دست یافتنی است؟

آقای مجتبی علیمیرزایی

به نظر اینجانب، عرضه اوراق بهادار ایرانی به بازارهای جهانی و عرضه اوراق بهادار خارجی در بازار ایران دست یافتنی است ولی تعیین میزان اثربخشی به اقدامات موثری بستگی دارد که توسط سیاستگذاران کشور در زمینه‌های مختلف مصوب گردد. در شرایط فعلی با توجه به شرایط اقتصادی نامساعد ایجاد شده ناشی از تحریم، اولویت کشور باید تقویت زیرساخت‌های لازم برای جبران عقب‌ماندگی‌های قبلی باشد که این امر خود نیز مستلزم کسب منابع ارزی لازم از سرمایه‌گذاران خارجی است. به نظر من، فعلاً باید اقداماتی صورت گیرد که تولید را نسبت به شرایط فعلی بهبود بخشد.

آقای غلامحسین دوانی:

با توجه به مفاد «برجام» ایران به سادگی نمی‌تواند سهام شرکت‌های بورسی را در بورس آمریکا عرضه نماید. لذا به نظر می‌رسد با توجه به حساسیت‌های سیاسی مسئولان نظام، علاقمندی خاصی پیرامون عرضه سهام به خارجیان حداقل در کوتاه‌مدت وجود نداشته باشد. فراموش نکنیم کل بورس کشور در شرایط فعلی حدود یکصد میلیارد دلار است که چنانچه چند نهاد سرمایه‌گذار خارجی حدود سی درصد آن را خریداری کنند می‌توانند بازار سهام کشور را کنترل نمایند. از طرف دیگر، تجربه عرضه اوراق مشارکت ایرانی در خارج که قبلاً یک‌بار صورت گرفته بود نیز مؤید آن است که علاقمندی خاصی برای آن (مگر ایرانیان خارج از کشور) وجود دارد. آمارها نشان می‌دهد که بخش عمده اوراق قرضه قبلی توسط

شرکت‌های سرمایه‌گذار داخلی خریداری شده است. لذا برای کشور پریسکی نظیر ایران، عرضه اوراق مشارکت باید با نرخ سود بالایی صورت گیرد تا بتواند ضریب ریسک را پوشش دهد که شاید در حال حاضر امکان‌پذیر نباشد.

آقای محمد حسینی‌منش:

به علت مغفول بودن این توسعه یافتگی، تاکنون و رسیدن بازار سرمایه ایران به بلوغ اقتصادی، این عرضه‌ها به آسانی و به زودی دست یافتنی نیست.

آقای محمود لنگری:

این موضوع مستلزم اصلاح قوانین و مقررات و روان‌سازی مبادلات ارزی است. در عین حال، سود مورد انتظار این قبیل اوراق باید متناسب با مجموع ریسک اعتباری موجود در کشور تعیین گردد که امید آن می‌رود با اتصال به اقتصاد جهانی و بهبود شاخص‌های اقتصاد کلان، این نرخ قابل دسترس بوده و از جذابیت خاص برای سرمایه‌گذاران خارجی برخوردار باشد.

آقای حسین کثیری:

این کار امکان‌پذیر است کما اینکه قبلاً نیز تلاش‌هایی در این زمینه صورت گرفته است. مشارکت در بازارهای بین‌المللی مستلزم رعایت ضوابط و مقررات و به عبارتی قواعد بازی است که از جمله آنها رعایت استانداردهای بین‌المللی گزارشگری مالی و وجود گزارش‌های حسابرسی قابل اتکا و اطمینان و استقرار حاکمیت شرکتی و نظام کنترل داخلی مناسب در شرکت‌ها، شفافیت و پاسخگویی آنها و تسهیل مقررات در زمینه انتقال اصل و سود سرمایه، رعایت و احترام به اصول و قواعد مالکیت می‌باشد.



آینده سیستم بانکی کشور را در دوران پساتحریم، چگونه ارزیابی می‌کنید؟

بانک‌های بین‌المللی و فعالیت آنها در دوره پسا تحریم نیز باید فکر کرد که خود زمینه‌ساز اصلاح نظام بانکی موجود خواهد بود.

آقای حسین کثیری:

برداشته شدن تحریم‌ها از جمله تحریم برخی بانک‌ها، به‌ویژه تحریم سوئیفت موجب تسهیل امور بانکی و رونق بانکها خواهد شد، ضمن آنکه امکان، تأسیس شعب بانک‌های خارجی در کشور رقابت در سطح بانکی افزایش خواهد یافت. با کاهش تورم و اطمینان امید به آینده اقتصادی نرخ هزینه تأمین مالی کاهش خواهد یافت. با رونق اقتصادی و افزایش سرمایه بانک‌ها و کاهش مطالبات معوق، قدرت تسهیلات‌دهی آنها بالا خواهد رفت و بانک‌ها در چرخه اقتصادی نقش خود را بهتر ایفا خواهند نمود.

آقای محمدجواد صفار سفلاتی:

بانک‌ها مشکلات فراوانی دارند که این امر، به تورم دو رقمی سال‌های اخیر گره خورده است. از طرفی، بانک‌ها و بیمه، از تخصصی‌ترین بنگاه‌های اقتصادی است که رفع مشکلات آنها نیازمند دستیابی به کارشناس‌های مرتبط است. از سوی دیگر، ساختار مالی بانک‌ها، از به نوعی به سرنوشت میلیون‌ها ذی‌نفع خاص یعنی سپرده‌گذاران ارتباط می‌یابد که اصلاح ساختار آنها توجهی دوچندان را می‌طلبد.

آقای مجتبی علیمیرزایی

با توجه به اینکه با برداشته شدن برخی تحریم‌های بانکی، اساساً نقل و انتقالات با سهولت بیشتری انجام خواهد شد و همچنین با توجه به کاهش نرخ تورم و به تبع آن انتظاراتی که از بابت کاهش هزینه پول ایجاد می‌شود حجم تسهیلات اعطائی بانک‌ها با نرخ مناسب‌تر به تولیدکنندگان افزایش و در نتیجه سود بانک‌ها از این بابت بیشتر خواهد شد.

آقای غلامحسین دوانی:

سیستم بانکی کشور بدون مشارکت با خارجیان هم می‌تواند در صورت استفاده از ابزارهای نوین بانکی (نظیر کیوسک بانک) به جای خرید و یا اجاره شعب، کارآمدی خود را بیشتر کند و البته در صورت رفع ممنوعیت سوئیفت و استفاده از گشایش اعتبار اسناد خارجی، بانک‌های داخلی فعال‌تر خواهد شد اما در صورت حضور سهامداران خارجی در بانک‌های داخلی یا تأسیس بانک‌های خارجی در ایران صنعت بانکداری متحول خواهد شد.

آقای محمد حسینی منش:

خلق بانک‌ها و مؤسسات مالی و اعتباری متشکل و غیر متشکل در طی سال‌های متمادی هرج و مرج نامتوازن در حوزه پولی، بانکی، اعتباری، ارزی ایجاد کرده و منابع مالی تجهیز شده در بخش‌های مسکن، پاساژسازی و مجتمع‌های مسکونی، اداری و تجاری نسبتاً گران قیمت مصرف شده و موجب افزایش نرخ تورم و بی‌ارزش کردن پول ملی شده است و بنابراین برای مهار کردن این نابسامانی‌ها، ادغام بانک‌ها و مؤسسات مالی و اعتباری، متناسب کردن فعالیت پولی و بانکی با روند توسعه اقتصادی و نظام مالی کشور با هدف و کارکرد رقابتی با بانک‌های خارجی‌ای که با توجه به قانون بانکداری بدون ربا حاضر به فعالیت در این کشور خواهند بود.

آقای محمود لنگری:

قطعاً یک طرف تمام مبادلات اقتصادی و تجاری در شرایط پسا تحریم بانک‌ها هستند که باید خود را با آن شرایط تطبیق دهند. افزایش کارایی، اصلاح ساختار سازمانی، افزایش سرعت مبادلات، رفع هرگونه تحریم و محدودیت فعالیت بین‌المللی و گسترش عملیات بین‌المللی آنها از موارد بسیار مهم هستند که باید مورد توجه قرار گیرند. به موضوع ایجاد شعب و نمایندگی‌های





در سال‌های اعمال تحریم، امکان به کارگیری فناوری‌های نوین در خدمات حسابداری و حسابرسی با محدودیت‌های مختلفی مواجه بوده است. به نظر شما، راه‌های مناسب برای به کارگیری فناوری‌های نوین در خدمات حسابداری و حسابرسی چیست؟

آقای هوشنگ نادریان:

حرفه حسابداری و حسابرسی در استفاده از فن‌آوری‌های نوین دچار مشکلات جدی بوده است، در بخش حسابداری، تولید نرم‌افزارهای حسابداری، قیمت تمام شده ابزارهای اموال و... کمک‌های شایسته‌ای به حسابداران کرده و در اکثر بنگاه‌ها مورد استفاده قرار گرفته است. ضعف عمده عدم یکپارچگی بسیاری از نرم‌افزارها در سطح مدیریت منابع بنگاه اقتصادی (ERP)، استاندارد نبودن بسیاری از نرم‌افزارهای موجود و ضعف‌های کنترلی در استفاده از این نرم‌افزارهاست. در این زمینه، سرمایه‌گذاری مشترک و بلندمدت بنگاه‌ها و مؤسسات نرم‌افزاری و الگوگیری از نرم‌افزارهای برجسته موجود دنیا، قطعاً نیازهای نرم‌افزاری حسابداری را برطرف می‌کند. هرچند توجه به استفاده از سطوح بالاتر از سیستم‌های حسابداری مانند سیستم اطلاعات مدیریت، سیستم‌های خبره نیز برای تأمین اطلاعات لازم برای تصمیم‌گیری امری ضروری است. در بخش استانداردها، سازمان حسابرسی بعنوان مرجع تدوین استانداردها، استانداردهای حسابداری را در اختیار جامعه حرفه‌ای قرار داده، لیکن به روزرسانی، توجه بیشتر به نیاز ذی‌نفعان و تهیه و انتشار رهنمودهای لازم برای درک بهتر استانداردها، ضروری به نظر می‌رسد.

در بخش حسابرسی نیز استانداردهای مربوط توسط مرجع قانونی صادر شده است لیکن مشکلات عدم دسترسی به دستورالعمل‌های مناسب بویژه در حیطه حسابرسی مبتنی بر مدیریت ریسک، موجبات فاصله جدی حرفه حسابرسی از اجرای استانداردهای روز شده است. به نظر می‌رسد مراجع ذی‌ربط مانند سازمان حسابرسی، جامعه حسابداران رسمی ایران و سایر انجمن‌های حرفه‌ای با همکاری مؤسسات حسابرسی باید تلاش کنند تا این نقیصه برطرف گردد. شرایط پساتحریم قطعاً می‌تواند به تسریع در کم کردن این فاصله کمک کند. در بخش استفاده از فناوری اطلاعات (IT) در حرفه حسابرسی نیز شواهد حاکی از شرایط مناسبی نیست، به استثنای اقدامات پراکنده و غیرجامع برخی مؤسسات، متأسفانه بخش عمده کار حسابرسی کشور بطور دستی انجام و از نرم‌افزارهای مناسب استفاده نمی‌شود. عدم توجه به این دو مقوله مهم یعنی «حسابرسی مبتنی بر مدیریت ریسک» و «حسابرسی کامپیوتری» موجب عقب افتادگی حرفه در شرایط پساتحریم در مقایسه با مؤسسات بین‌المللی

رقیب شده و امکان تفرق و غلبه آنها بر بازار کشور با استفاده از فناوری نوین به طور جدی وجود دارد.

آقای مجتبی علیمیرزایی

قبل از اعمال تحریم‌ها نیز کسی به طور جدی به دنبال دسترسی به فناوری‌های نوین در خدمات حسابرسی نبود. در واقع در زمینه حسابرسی تنها سازمان حسابرسی قادر به فراهم کردن شرایط لازم برای کسب این فناوری‌ها بود زیرا به تنهایی بخش عمده فعالیت‌های حسابرسی را در دست داشت و به عنوان سازمانی متمرکز و با درآمد قابل توجه، توانایی انجام این امر را داشت. کماکان تصور می‌کنم سازمان حسابرسی باید در این راه پیش قدم شود و برای ترویج آن نزد سایر فعالان حرفه حسابرسی نیز اقدام نماید؛ زیرا منافع آن به کل جامعه منتقل می‌شود. به هر صورت، معتقدم که در این خصوص، نباید مشکل را به تحریم متصل کنیم بلکه باید فعل خواستن را صرف کنیم.

آقای غلامحسین دوانی:

حرفه حسابرسی از نقطه نظر استفاده از فناوری‌های نوین حرفه‌ای نظیر نرم‌افزارهای ریسک، نرم‌افزارهای حسابرسی به شدت فقیر و ناتوان است که در صورت حضور مؤسسات حسابرسی خارجی (چه از طریق مستقیم و چه از طریق اخذ نمایندگی) امکان دستیابی به این فناوری‌ها بیشتر می‌شود؛ مضافاً بر آن که در صورت رفع تحریم بسیاری از این نرم‌افزارها به دلیل قابلیت تبدیل به زبان فارسی نظیر (caseware)، قابل استفاده در ایران نیز می‌باشد.

آقای محمد حسینی منش:

برای به کارگیری فناوری‌های نوین در خدمات حسابداری و حسابرسی لازم است در وهله اول به کارگیری فناوری‌های نوین در کشورهای همجوار و خاورمیانه ارزیابی و سپس راه‌های رفع محدودیت‌ها با استفاده از تجدید نظر در آموزش دانشگاهی و حرفه‌ای، شرایط را برای رسیدن به وضعیت مطلوب هموار سازیم.

آقای محمود لنگری:

شاید بتوان اصلی‌ترین دلیل عدم به روزرسانی خدمات قابل ارائه توسط مؤسسات حسابرسی ایرانی به صاحبکاران را عدم وجود رقبای بین‌المللی در بازار ارائه خدمات مالی و مشاوره‌ای ایران و همچنین عدم ورود شرکت‌های ایرانی به بازارهای بین‌المللی دانست. در شرایط پساتحریم که امیدواریم محدودیت‌های فوق مرتفع شود، مؤسسات حسابرسی ایرانی نیز باید در تعامل با رقبای بین‌المللی خود و به منظور رفع نیازهای بروز شده شرکت‌های ایرانی که پا به عرصه‌های تجارت بین‌المللی گذاشته‌اند اقدام به کسب فناوری ارائه خدمات نوین از جمله، حسابرسی عملیاتی با بهره‌گیری از تجارب موجود، حسابرسی داخلی مبتنی بر ریسک، حسابرسی فناوری اطلاعات، گزارشگری ریسک، گزارشگری اصول راهبری شرکتی، طراحی و استقرار ساختار مدیریت ریسک بنگاه، طراحی و استقرار ساختار مدیریت دانش و... نمایند. گفتنی است این خدمات، در حال حاضر، توسط مؤسسات حسابرسی بین‌المللی ارائه می‌شوند و این امر نشان می‌دهد که در بازارهایی نزدیک به بازار کارا، نیازهای مدیران با گزارش‌های حسابرسی متداول در

ایران تأمین نمی‌گردد. خوشبختانه حرفه حسابرسی ایران با دانش خدمات متنوع حسابداری و حسابرسی کاملاً آشناست و ارتباطات نسبتاً مؤثری با مجامع بین‌المللی در این زمینه برقرار است. لیکن نیاز مدیران انگیزه لازم برای بکارگیری خدمات نوین را فراهم خواهد ساخت.

آقای حسین کثیری:

طبعاً رفع تحریم‌ها موجب دستیابی مؤسسات حسابرسی به فناوری‌های جدید حسابرسی از جمله «حسابرسی مبتنی بر شرکت» «حسابرسی فناوری اطلاعات» و ابزارهای جدید در حسابرسی خواهد شد. شرکت‌ها ملزم به رعایت اساسنامه‌های حسابداری بین‌المللی گزارشگری مالی (IFRS) خواهند شد و نیازمند ایجاد زیر ساخت‌های اطلاعاتی و نظام‌های اطلاعات جامع و یکپارچگی حسابداری IAS و زبان گزارشگری توسعه یافته (XBRL) و سایر ملزومات جدید خواهند شد. دستیابی و بکارگیری فناوری‌ها و دانش روز حسابرسی و حسابداری، موجب گسترش و ارتقای حرفه حسابداری و حسابرسی در کشور خواهد شد.

آقای محمدجواد صفار سفلائی:

بکارگیری فناوری‌های نوین در خدمات حسابداری و حسابرسی مستلزم تلاش مضاعف کارشناسان ذی‌صلاح ایرانی و بکارگیری از خدمات کارشناسی بین‌المللی، همراه با اصلاح برخی مقررات است.



آیا شرایط پسا تحریم موجب ارتقای به کارگیری استانداردهای بین‌المللی گزارشگری مالی در ایران می‌شود؟ سرعت این کار را چگونه ارزیابی می‌کنید؟ آیا بسترهای مناسب برای این کار فراهم شده است؟

آقای مجتبی علیمیرزایی

با توجه به نقش اینجانب در تدوین استانداردهای حسابداری کشور باید عرض کنم که خوشبختانه علیرغم دیدگاه‌های مختلفی که در خصوص بکارگیری استانداردهای حسابداری آمریکائی یا انگلیسی و با تدوین استانداردهای ملی خاص کشور وجود داشت، تصمیم مناسبی در کمیته مربوط اتخاذ شد. بر اساس تصمیم مزبور مفاهیم نظری گزارشگری مالی بین‌المللی به عنوان پایه تدوین استانداردها تعیین شده و استانداردهای حسابداری بین‌المللی نیز مبنای تدوین استانداردها قرار گرفت. نتیجه‌گیری مناسب مزبور در آن زمان، پایه‌ای بسیار مناسب برای استفاده از استانداردهای بین‌المللی گزارشگری مالی فراهم آورد زیرا که استانداردهای فعلی کشور عمدتاً با آن مطابقت دارد. بنابراین می‌توان انتظار داشت که با تخصیص منابع مالی و نیروی انسانی لازم این کار با سرعت قابل توسعه باشد با این حال نکته قابل تعمق این است که موارد افتراق استانداردهای حسابداری کشور با استانداردهای بین‌المللی عمدتاً معطوف به مواردی است که با توجه به شرایط اقتصادی و مالیاتی حاکم بر کشور اساساً قابل اجرا نبوده و در حال حاضر نیز قابل اجرا نیست مگر این که در این خصوص تعاملات لازم با مسئولان اقتصادی و مالیاتی ذی‌ربط صورت گیرد. از جمله موارد مهم این افتراق بکارگیری ارزش منصفانه در اکثر ارزیابی‌های مربوط به دارائی‌ها و بدهی‌ها در استانداردهای حسابداری بین‌المللی است که در کشور ما به دلایل مختلف قابل اجرا نیست و شرکت‌ها حاضر به تحمل آثار مالیاتی ناشی از این امر نمی‌باشند. به عنوان نمونه دیگر، طبق استانداردهای بین‌المللی زیان تسعیر ارز در هر صورت باید به سود و زیان منظور شود در حالی که طبق استانداردهای کشور، در صورت وجود شرایط خاص، قابل احتساب در بهای تمام شده دارائی‌های می‌باشد. همچنین باید به مسائل دیگر نیز توجه کرد از جمله این که استانداردهای بین‌المللی حسابداری در سطح کل کشور اجرا شود یا در مورد برخی شرکت‌ها. ضمناً این موضوع نیز قابل تعمق است که با توجه به حجم گسترده اطلاعات قابل افشا در صورت‌های مالی، هزینه تهیه صورت‌های مالی افزایش می‌یابد. همچنین در نظر گرفتن زمان کافی برای ترجمه و آموزش این استانداردها اهمیت بسیار دارد و در واقع باید قبل از هرگونه کاری در این خصوص بسترسازی لازم صورت گیرد به گونه‌ای که با ترجمه استانداردها و قراردادن آن در دسترس مراکز آموزشی زمینه لازم فراهم شود.

آقای هوشنگ نادریان:

پس از اقدامات هم‌گرایی مراجع حرفه‌ای برای نزدیک‌تر کردن استانداردهای بین‌المللی اروپا با استانداردهای آمریکایی، بحث استفاده از استانداردهای بین‌المللی گزارشگری مالی در دنیا جدی‌تر شده است. از آنجایی که مأخذ اصلی استانداردهای حسابداری کشور نیز استانداردهای بین‌المللی حسابداری انتخاب شده بود، لذا در شرایط فعلی باید مراجع ذی‌ربط نسبت به موضوع استانداردهای بین‌المللی گزارشگری مالی تصمیم مشخص‌تری اتخاذ کنند. سازمان بورس در این زمینه اقداماتی انجام داده لیکن هماهنگی سازمان مزبور با سازمان حسابرسی به‌عنوان مرجع تدوین استانداردها در صورت پذیرش کلی استانداردهای بین‌المللی گزارشگری مالی باید با سرعت و زمان‌بندی مشخص برای تهیه و ابلاغ آن به جامعه حرفه‌ای اقدام کنند. در شرایط پساتحریم با فرض افزایش ارتباطات بین‌المللی بنگاه‌ها، عدم توجه به موضوع استانداردهای بین‌المللی گزارشگری مالی و تفاوت عمده آن با





استانداردهای ملی موجب تحمیل هزینه‌های اضافی و غیر ضروری به بنگاه‌ها در تهیه حساب‌های دوگانه خواهد شد که در شرایط فعلی نیز در مواردی شاهد آن هستیم. البته انتقال به استانداردهای بین‌المللی گزارشگری مالی مستلزم فراهم کردن بسترهای لازم هر بنگاه، مانند سیستم‌های نرم‌افزاری، آموزش نیروها، تهیه رهنمودهای آموزشی مکمل استانداردها و حمایت مراجع ذیربط از این امر می‌باشد.

آقای محمد حسینی‌مش:

سرعت به‌کارگیری استانداردهای بین‌المللی گزارشگری مالی در ایران آهسته است و به‌رغم اینکه حسابداری زبان تجارت و ارتباطات تجاری است. منابع فارسی و بسترهای مناسب بصورت فراگیر در مورد به‌کارگیری استانداردهای بین‌المللی گزارشگری مالی فراهم نشده و در دسترس نیست.

آقای محمود لنگری:

ورود سرمایه‌گذاران بین‌المللی به بازارهای اقتصادی ایران، توسعه و ارتقای سطوح بهره‌گیری از استانداردهای حسابداری بین‌المللی را طلب می‌کند. در این راستا، نهادهای نظارتی و تدوین استاندارد و شرکت‌های ایرانی ناچارند ساز و کارهای رسیدن به شرایط مطلوب در این حوزه را مهیا سازند. سرعت دستیابی به شرایط مذکور خود تابع عواملی است که می‌توان با انجام برنامه‌ریزی‌های مدون و معقول شرایط دستیابی سریع به آن را فراهم آورد، از جمله، ترجمه و بومی‌سازی استانداردهای بین‌المللی گزارشگری مالی توسط مسئولین تدوین استانداردها و با بهره‌گیری از نظرات صاحبان صنایع و اساتید فن، آموزش اثر بخش همکاران مالی و مدیریت شرکت‌ها، تجهیز مؤسسات حسابرسی ایرانی به دانش و مهارت کافی به منظور اظهارنظر در رابطه با گزارش‌های تهیه شده بر مبنای این استانداردها و اصلاح قوانین و مقررات مالی و محاسباتی و مالیاتی مربوط برای انطباق با استانداردهای مزبور، از اصلی‌ترین اقدامات در این زمینه تلقی می‌شود.

آقای حسین کثیری:

بکارگیری استانداردهای بین‌المللی گزارشگری مالی (IFRS) یک الزام و ضرورت است زیرا گزارشگری در سطح بین‌المللی با این استانداردها صورت می‌گیرد. خوشبختانه سازمان بورس و سازمان حسابرسی، اقدامات مؤثری در این مورد انجام داده‌اند که سرعت بخشی به آن ضروری است. به نظر اینجانب، با ترجمه و آشناسازی شرکت‌ها و الزام برخی از آنها، بستر این کار فراهم شده است.

دروان پساتحریم فرا رسیده است؛ نقش حرفه حسابداری در این دوران چیست؟ حرفه حسابداری چگونه می تواند نقش خود را به نحو مطلوب تری ایفا نماید؟

آقای هوشنگ نادریان:

با نگاه به سیاست های دولت در مرحله پساتحریم که در سؤال اول به آن پاسخ داده شد، حسابداران و حسابرسان کشور می توانند در زمینه های «مدیریت مصرف و صرفه جویی»، «افزایش بهره وری و سودآوری»، «حرکت بر اساس برنامه و تقویت مدیریت»، «فعال سازی کلیه منابع و امکانات»، «اصلاح نظام مالی کشور»، «شفاف سازی و سالم سازی اقتصاد»، «شفافیت و روان سازی نظام توزیع و قیمت گذاری» نقش جدی و مؤثری داشته باشند. حسابداران و حسابرسان با شناسایی جامع امکانات و منابع و تقویم مالی آنها، «ارائه تجزیه و تحلیل های مالی بنگاه ها در مقایسه با بهترین های صنعت در داخل و در سطح بین المللی»، «کمک در تدوین شاخص ها و معیارهای بهره وری و استقرار نظام مدیریت عملکرد»، «آسیب شناسی قوانین و مقررات»، «انجام حسابرسی عملیاتی بر مبنای کارایی، اثربخشی و صرفه اقتصادی»، «استقرار نظام جامع مالی و قیمت تمام شده»، «حسابداری سرمایه های انسانی»،

«کمک به استقرار کنترل های داخلی مؤثر و بهبود روش ها»، «کمک به استقرار مهندسی ارزش»، «تهیه حساب های ملی»، «کمک در تعیین مالیات حقّه»، «کمک در تدوین بودجه جامع و مبتنی بر عملکرد» (ABB و PBB)، «کمک در ساز و کار قیمت گذاری محصولات»، «استقرار حسابداری تعهدی در دستگاه ها دولتی»، «استقرار نظام های جامع اطلاعاتی»، «کمک در شناسایی و حذف فعالیت های زیان ده و کم بازده، موازی و غیرضروری»، «استقرار حسابرسی داخلی در دستگاه های اجرایی»، «تقویت کمیته تخصصی در بنگاه ها»، «کمک در استقرار مدیریت ریسک و توجه خاص به ریسک قلب»، «تأمین اطلاعات در زمینه مبارزه با پولشویی»، «ارائه خدمات متنوع حرفه ای برای تأمین نیازهای کسب و کار»، «استقرار حسابداری مدیریت و راهبردی در بنگاه ها»، «انجام حسابرسی محیط زیست»، «کمک به مدیران در پایداری اقتصادی بنگاه ها»، «کمک به مدیریت در استقرار مدل های تعالی سازمانی»، «هماهنگی و همکاری با دانشگاه ها و مراکز علمی برای به روزتر کردن دانش مورد نیاز حرفه» و در نهایت «کمک به تقویت نقش انجمن ها و جوامع حرفه ای در ترویج اخلاق حرفه ای و استانداردهای انجام خدمات حرفه ای»، از جمله موارد مهم در این زمینه است.



Data

Quality

Audit

نماید. اطلاعاتی که مرتبط با تصمیم‌گیری باشد. حرفه حسابداری نیز با ارتقای نظام‌مندی و گسترش و اعتلای جوامع حرفه‌ای و حسابداران و حسابرسان، اعمال کنترل کیفیت، گسترش دانش حرفه‌ای، ایجاد حرفه‌ای نظام‌مند و هدف‌گرا، حمایت از حقوق اعضا، گسترش فرهنگ شفافیت و پاسخگویی در جامعه و حرفه‌ای‌گری در حسابداری و حسابرسی به اعتلای این حرفه در دوران پساتحریم خواهد افزود.

آقای محمود لنگری:

تحقق شرایط پساتحریم و تداوم آن تا حد زیادی می‌تواند صنعت و اقتصاد کشور را در بلندمدت به بازارهای بین‌المللی و جریان‌های اقتصادی موجود در فرآیند جهانی‌سازی متصل نماید. در این شرایط، رقابت شکل جدید و بسیار جدی به خود خواهد گرفت. شرکت‌ها همواره باید در جهت عملیات اثر بخش خود تلاش نمایند و ذینفعان بشکل قابل توجهی بر حق نظارت خود تأکید دارند. در این میان تهیه، تدوین و ارائه خدمات نوین مالی و مشاوره‌ای از سوی مؤسسات حسابرسی و بطور کلی حرفه حسابداری تا حد چشم‌گیری می‌تواند شرکت‌ها را در این مسیر یاری رساند. در ضمن بهبود و ارتقای کیفیت عملکرد مؤسسات حسابرسی برای ارائه گزارش‌های با کیفیت بمنظور رفع نیازهای نظارتی ذینفعان بسیار حائز اهمیت است. در ادامه گفتنی است که انجام مطالعات نیازسنجی با در نظر گرفتن شرایط پیش‌آمده پس از لغو تحریم‌های ناروا علیه ایران می‌تواند کمک شایانی به حرفه حسابداری و مؤسسات حسابرسی در این مسیر باشد.

آقای محمدجواد صفار سفلائی:

حسابداران و حسابرسان باید با تجهیز فنی و حرفه‌ای خود، آمادگی ارائه خدمات نوین مالی را احراز کنند. ارائه این خدمات، از جمله نقش عمده‌ای در شفافیت اطلاعات مالی ایفا خواهد کرد. حسابداران و حسابرسان همچنین باید در جهت کاهش فاصله رویه‌های کاری خود یا ضوابط و رهنمودهای بین‌المللی مربوط تلاش کنند.

آقای مجتبی علیمیرزایی

حرفه حسابداری به دوران تحریم و پسا تحریم کاری ندارد. در همه ادوار حسابداران کوشیده‌اند که نقش خود را به گونه‌ای مؤثر ایفا کنند به ویژه سازمان حسابرسی به عنوان موثرترین جایگاه حرفه‌ای حسابداران، علیرغم محدودیت‌های بودجه‌ای آن، به طور شایسته عمل کرده است. با آغاز فعالیت جامعه حسابداران رسمی ایران، این نهاد نیز تلاش گسترده‌ای در خصوص ارتقاء حرفه حسابداری، به ویژه نظارت بر اعضای حرفه، انجام داده است. لیکن توجه به این نکته بسیار مهم نیز حائز اهمیت است که اساساً حرفه حسابداری و حسابرسی در جامعه‌ای رشد بیشتر می‌یابد که زیر بنای اقتصاد خصوصی باشد و فرهنگ پاسخگویی در آن جافاده باشد. در غیر این صورت اساساً حسابداران به عنوان دفترنویس و حسابرسان به عنوان اشخاص مزاحم، از جایگاه اجتماعی مناسبی برخوردار نمی‌شوند و امکان رشد آنها فراهم نمی‌گردد.

آقای غلامحسین دوانی:

حرفه حسابرسی چون از ارکان شفاف‌سازی محسوب می‌شود و از آنجا که در پساتحریم عل بازدارنده شفاف‌سازی کمرنگ و یا از بین خواهند رفت، لذا حرفه باید بتواند نقش نوینی را در توسعه شفاف‌سازی بازارهای پولی و مالی دارا شود. حداقل الزامات این نقش تسلط به زبان انگلیسی، بکارگیری مهارت‌های نرم‌افزاری مجموعه اکسل و مطالعات موردی و آنلاین می‌باشد.

آقای حسین کثیری:

نقش حسابداری در دوران پساتحریم چون گذشته فراهم نمودن اطلاعاتی است که بتواند در تصمیم‌گیری مفید واقع شود؛ اطلاعاتی که دارای ویژگی‌های کیفی همچون قابل اتکا بودن، به موقع بودن، مفید بودن با در نظر گرفتن محدودیت‌هایی همچون هزینه، با اهمیت باشد. اطلاعاتی که بتواند استفاده‌کنندگان را در تصمیم‌گیری نسبت به ارزیابی وضعیت مالی، عملکرد مالی، انعطاف‌پذیری مالی و پاسخگویی وظیفه‌مباشرتی مدیران یاری

سیاست‌ها و اقدامات دولت در دوران پساتحریم، چه تأثیری بر حرفه حسابداری دارد؟ آیا حرفه حسابداری، آمادگی لازم را برای انجام وظایف خود خواهد داشت؟

آقای مجتبی علیمیرزایی

سیاست‌ها و اقدامات دولت اساساً باید به سمتی حرکت کند که نسبت به جامعه حسابداران رسمی ایران به عنوان یک نهاد حرفه‌ای خود انتظام اهمیت بیشتری بدهد و با انجام اصلاحات لازم در اساسنامه جامعه، موجبات ارتقای این جامعه را فراهم کند. چنانچه این مهم صورت نگیرد انتظار چندانی نمی‌توان از جامعه حسابداران رسمی داشت. مشکلات اساسی در این خصوص توسط مسئولین جامعه حسابداران رسمی ایران به اطلاع مسئولین محترم کشور رسیده است.

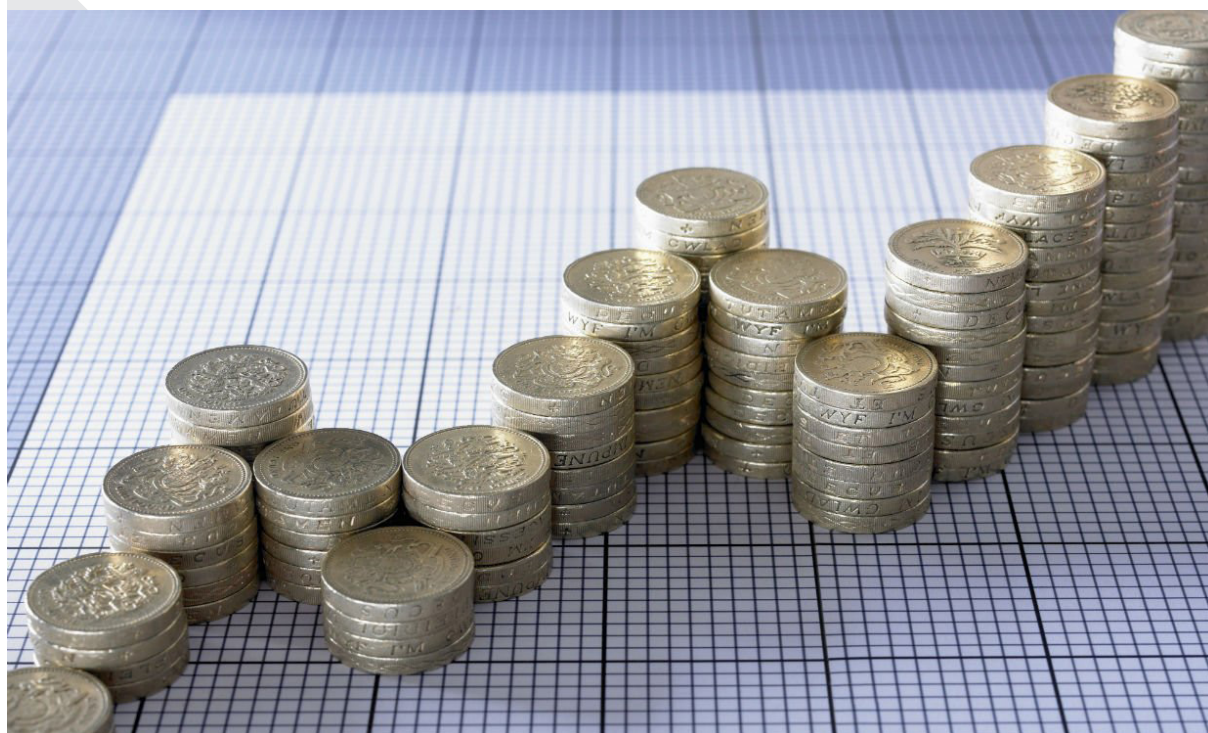
آقای غلامحسین دوانی:

اگر دولت بخواهد نقش سابق خود را که وکالت و متولی حرفه است را بر عهده بگیرد و از دخالت در هر مورد از اساسنامه پرهیز نکند، در پساتحریم هم شاهد توسعه و اعتلای حرفه نخواهیم بود. واقعیت آن است، اشخاصی که با اندیشه قبل از تحریم هستند نمی‌توانند با همان افکار به جرگه پساتحریمی بپیوندند. لذا

حتی دولت هم باید در انتصابات خود در جامعه حسابداران رسمی از انتصابات «ریش سفیدی» و بکارگماری دولت‌هایی خودداری کند که سالیان درازی است با ابزار و فنون جدید خداحافظی کرده‌اند و گرنه درب دوباره بر همان پاشنه فسیلی خواهد چرخید.

آقای هوشنگ نادریان:

دولت در دوران مختلف بدلیل درگیری‌های عمده در بخش اقتصاد کشور، تأثیر و نفوذ عمده‌ای بر حرفه حسابداری و حسابرسی داشته و دارد. بطور مثال مرجع تدوین استانداردهای حسابداری و حسابرسی در کشور دولتی است، دولت بر بازار سرمایه تسلط قابل ملاحظه‌ای دارد، بخش قابل توجهی از اقتصاد توسط بنگاه‌های دولتی اداره می‌شود، در بخش حسابرسی نیز سازمان حسابرسی کماکان بخش قابل توجهی از حرفه است، دولت و بویژه وزیر امور اقتصادی و دارایی بیش از ۴۷ مورد اختیار و وظیفه در قوانین و مقررات جامعه حسابداران رسمی دارند که مؤثر بر حرفه حسابرسی است. دولت در کمیسیون‌های مبارزه با فساد، پولشویی و... نقش جدی دارد. ساز و کار مالیات ستانی، شناسایی حسابداران رسمی، خصوصی سازی و... کلاً در اختیار دولت است. بنابراین دولت تأثیرگذار جدی بر حرفه است. در شرایط پساتحریم نخستین مورد بازنگری میزان مداخلات دولت است. تدوین





می‌آید. به هر حال از هم‌اکنون و با سرعت باید نقشه راه جامع در این زمینه توسط نهادهای حرفه‌ای خصوصاً جامعه حسابداران رسمی ایران تنظیم گردد.

آقای حسین کشیری:

طبعاً سیاست‌های دولت به ویژه در حوزه نظام‌مندی حرفه حسابداری در دوران پساتحریم و نیازهای سرمایه‌گذاران خارجی به داشتن اطلاعات قابل اطمینان و اتکا و ایجاد اطمینان در آنها که سرمایه‌گذاری آنها و سوء جریان‌ات مواجه نخواهد شد و به عبارتی، تحریف‌های با اهمیت توسط حساب‌رسان گزارش و پیشگیری خواهد شد، کمک خواهد نمود. به هر حال، حرفه حسابداری نیز باید آمادگی لازم را برای پاسخگویی به این نیل‌ها داشته باشد که لازمه آن استقرار نظام‌های بسنده حسابداری و کنترل داخلی در شرکت‌ها و فراهم کردن بستر لازم برای ارایه اطلاعات حسابداری منطبق با استانداردهای بین‌المللی گزارشگری مالی است.

آقای محمدجواد صفار سفلائی:

در سال‌های پیش رو، انجام اقداماتی، از جمله اصلاح برخی قوانین و مقررات، از سوی دولت ضروری است. این اقدامات باید به سمت و سوی تسهیل سرمایه‌گذاری بین‌المللی در ایران ایفای نقش کند و مؤثر واقع شود از جمله این اقدامات می‌تواند ایجاد زمینه‌های کاری مناسب برای مؤسسات حرفه‌ای بین‌المللی در کشور باشد. بی‌شک این اقدامات باید همچنین به حفظ و ارتقای حرفه حسابداری در کشور بذل توجه کند. در این خصوص، دو زمینه کاری مهم نیز قابل طرح است. یکی بحث گسترش کمی و کیفی بورس اوراق بهادار می‌باشد و دیگری لزوم تدوین استانداردهای حسابداری و حسابرسی برای شرکت‌های کوچک و متوسط که هر یک شایسته مباحث مفصلی است که در این مختصر نمی‌گنجد.

راهبردهای مناسب در این رابطه با مشارکت اصحاب حرفه ضروری است. نکته دوم این است که به میزان کاهش تصدی دولت، نقش نظارتی آن باید پررنگ‌تر شود. اثربخشی این نظارت مستلزم استقرار نظام‌های مناسبی است که حرفه حسابداری و حسابرسی می‌تواند در آن نقش قابل توجهی ایفا کند. تقویت نظام‌های کنترل داخلی بنگاه‌ها، افزایش اعتبار اطلاعات مبنای تصمیم‌گیری، تقویت ارکان نظارتی بنگاه‌ها مانند کمیته‌های هیئت مدیره، حسابرسی داخلی و... از جمله مصادیق مهم این امر است. حرفه حسابداری و حسابرسی نیز باید خود را برای شرایط آتی آماده کند و با «استفاده از فناوری نوین برای ارتقای کیفی امور»، «معرفی سلامت حرفه با رعایت کامل اصول و اخلاق حرفه‌ای»، «توجه به منافع بلند مدت حرفه به جای کوتاه‌نگری»، «توجه به نیازهای مشروع و بحق ذی‌نفعان و متنوع‌سازی خدمات حرفه‌ای»، رسالت حرفه‌ای خود را در کمک به اجرایی کردن سیاست‌های دولت در پایداری اقتصادی، شفافیت و گذر از اقتصاد رانتی و غیرشفاف ایفا کنند. دولت نیز از طرف دیگر ضروری است با «هدایت، حمایت و نظارت لازم» و با «تقویت فرهنگ حساب‌خواهی، حساب‌دهی و حسابرسی» زمینه انجام کار مستقل و مطلوب حرفه‌ای را فراهم نماید.

آقای محمود لنگری:

شاید سیاست‌های دولت بشکل مستقیم بر حرفه حسابداری تأثیر قابل ملاحظه‌ای نداشته باشد. لیکن تغییر سیاست‌های دولتی در رابطه با حوزه‌هایی همچون ورود سرمایه‌های خارجی می‌تواند بر عملکرد حرفه حسابداری و مؤسسات حسابرسی تأثیر قابل توجهی داشته باشد که قبلاً نیز مطرح شد. باتوجه به وضع موجود حرفه حسابداری، نهادها و ارکان حرفه‌ای و مؤسسات حسابرسی، پاسخ به نیازهای پیش‌آمده در شرایط پسا تحریم از سوی حسابداران و حساب‌رسان، چالشی جدی به حساب





آیا شرایط در دوران پساتحریم باید ساختارهای جدیدی در استانداردهای حرفه‌ای، ساختار مجامع حرفه‌ای و مؤسسات حسابرسی به وجود آورد؟ این تغییرات در چه زمینه‌هایی و با چه شتابی و با چه حجمی و میزانی باید صورت بگیرد؟

آقای مجتبی علیمیرزایی

تغییرات مورد نیاز در ساختار مجامع حرفه‌ای و مؤسسات حسابرسی موقوف به انجام تغییرات لازم در اساسنامه جامعه حسابداران رسمی ایران است که در این خصوص بهتر است به پیشنهادات قبلی جامعه به مسئولان مربوط مراجعه شود. ساختارهای جدید در استانداردهای حرفه‌ای ضرورت ندارد و کماکان تدوین استانداردها باید در اختیار نهادی چون سازمانی حسابرسی باقی بماند لیکن ابزارهای لازم به گونه‌ای فراهم شود که این امور با سرعت بیشتری به پیش رود.

آقای غلامحسین دوانی:

خیلی هم نباید دوران پساتحریم را بزرگ کرد؛ چراکه دوره تحریم اگرچه چند دهه کشور را به عقب راند اما کل دوره، یک دوره چهار ساله بود. بنابراین تأکید مؤکد بر لغت «پساتحریم» چندان هم با واقعیات اجتماعی کشور تناسب ندارد. مثلاً حرفه، همیشه باید با مسائل نوین گزارشگری و استانداردها تعامل داشته باشد و ساختارهای حرفه‌ای هم مشخص هستند. لذا در دوران پساتحریم صرفاً عامل استفاده از این عوامل مهم و تأثیرگذار است و گرنه هستند و بودند کسانی که در همه حال نسبت به مسائل روز حرفه احاطه داشته‌اند؛ یا در گزارشگری فعلی در کشور چندان هم عقب نیستیم زیرا حسابرسی ابزار الزامات اقتصادی است و با توجه به ساختار اقتصادی کشور حرفه حسابرسی چندان هم عقب مانده نیست!!

آقای محمود لنگری:

پیوستن به بازارهای بین‌المللی و همچنین ورود سرمایه‌گذاران خارجی، رعایت و بهره‌گیری از اصول و رویه‌های پیشرو بین‌المللی را ضروری می‌سازد. در این مسیر پیروی از استانداردهای گزارشگری و حرفه‌ای بین‌المللی، رعایت اصول پذیرفته شده راهبری بنگاه به نحو اثر بخش و... از ضروریات به شمار می‌آید. سرعت رخ دادن تغییرات فوق الذکر و حجم آن تا حد زیادی تابع شرایط و چگونگی پیوستن بازارهای داخلی به بازارهای بین‌المللی است.

آقای حسین کثیری:

مؤسسات حسابرسی باید خود را به فناوری‌های روز حسابرسی از جمله حسابرسی مبتنی بر ریسک و استفاده از رایانه در حسابرسی و به کارگیری روش‌های جدید در حسابرسی تجهیز کنند. به‌ویژه لازم است مؤسسات حسابرسی ایرانی بعضاً با مؤسسات حسابرسی بین‌المللی ارتباط داشته باشند تا بتوانند از دانش و روش‌های جدید حسابرسی آنها بهره‌مند شوند و معیارهای کنترل کیفیت خود را ارتقاء دهند. در گذشته نیز به این مطلب توجه شده است. سرعت این تغییرات باید سریع و پیوسته و با برنامه‌ریزی باشد.

آقای محمدجواد صفار سفلائی:

یکی از الزامات در زمینه اصول، ضوابط و استانداردهای حرفه‌ای، بازنگری این موارد در جهت هر چه نزدیک‌تر شدن به استانداردهای بین‌المللی گزارشگری مالی است. این امر اما نیازمند زیر ساخت و بستر مناسب است که باید مورد توجه استانداردها قرار گیرد. برخی از این الزامات را شاید بتوان سریع‌تر اجرایی کرد (برای نمونه بخش عمده‌ای از استانداردهای حسابرسی) و برخی ممکن است چند سالی کاربرد نداشته و نیازمند تغییراتی در بخش‌های دیگر باشد (از قبیل استانداردهای حسابداری مربوط به اوراق مشتقه).

از دیدگاه شما، کدام بخش از خدمات یا فعالیت‌ها منجر به افزایش حجم و نوع خدمات قابل ارائه توسط حساب‌برسان شامل خدمات اطمینان‌بخش می‌گردد و این افزایش را به چه میزان پیش‌بینی می‌کنید؟ راه‌های ارتقای کمی و کیفی این خدمات چیست؟

آقای هوشنگ نادریان:

نگاهی به سرفصل‌های خدمات حرفه‌ای قابل ارائه توسط مؤسسات حسابرسی بین‌المللی و مقایسه با آن خدمات مورد ارائه مؤسسات حسابرسی داخلی حاکی از تفاوت معنادار این خدمات است. بسیاری از سرفصل‌های خدمات مؤسسات بین‌المللی مانند «مشاوره‌های مالیاتی و مدیریتی»، «خدمات حرفه‌ای بیمه‌گیری»، «حسابرسی عملیاتی»، «راهدرد بنگاه»، «مراقبت‌های تخصصی و

حرفه‌ای»، «منابع انسانی»، «تجدید ساختار»، «خصوصی‌سازی»، «کارشناسی دعاوی دادگاهی»، «ورشکستگی»، «خدمات ادغام و تحصیل شرکت‌ها»، «پی جویی»، «مشاوره خطر»، «مدیریت تصفیه»، «تجدید ساختار سرمایه در گردش»، «تغییرات مدیریت»، «بررسی راهبردها و تجزیه و تحلیل ریسک خدمات فناوری اطلاعات، اساساً یا مورد سفارش بنگاه‌ها نیست یا مؤسسات حسابرسی آشنایی و مهارتی در ارائه خدمات مربوطه ندارند، به نظر می‌رسد عدم تقاضای مشتریان می‌تواند ناشی از عدم اطلاع کافی آنها از ماهیت و منافع این خدمات باشد، بررسی ساختار درآمد مؤسسات حسابرسی بزرگ بین‌المللی نیز نشان از درصد غالب خدمات غیر از حسابرسی مالی در پورتفوی درآمدی آنها است. به نظر می‌رسد مؤسسات حسابرسی، سازمان حسابرسی، جوامع حرفه‌ای و مراکز علمی و دانشگاهی باید اقدامات جدی در زمینه شناسایی این خدمات به ذینفعان داشته باشند. ضمن آنکه تجهیز خود مؤسسات حسابرسی به امکان ارائه این خدمات نیز موضوع قابل توجهی است. در شرایط پساتحریم، افزایش ارتباط و مشارکت مؤسسات حسابرسی داخلی یا مؤسسات بین‌المللی، زمینه مناسبی برای انتقال این فناوری به کشور و تجهیز و توانایی مؤسسات به ارائه خدمات متنوع خواهد بود.

آقای غلامحسین دوانی:

بخش خدمات مشاوره‌ای در دنیای حسابرسی بسیار گسترده و توسعه یافته است که در ایران متأسفانه شناخته شده نیست. به عنوان مثال خدمات مشاوره‌ای پیرامون شرکت‌های خارجی از اقدامات اخذ ویزا، اخذ اجازه کار، اقدامات اولیه اجاره محل دفاتر و محل مسکونی کارکنان خارجی از شروع به گزارشگری مالی و عملیات سرمایه‌گذاری در بورس و غیربورس ختم می‌شود که با نگاهی به این عوامل صرفاً بخش گزارشگری آن در ایران شناخته شده است. خارجیان برای سرمایه‌گذاری خود در ایران به فعالیت «ارزش‌گذاری شرکت» نیازمند هستند که این فعالیت را حساب‌برسان می‌خواهند نه کارشناسان رسمی دادگستری.

آقای مجتبی علیمیرزایی:

هر فعالیت یا خدماتی که در اثر بهبود شرایط اقتصادی به افزایش منجر شود، همچنین مصوبات قانونی در خصوص الزام صاحبان فعالیت‌های اقتصادی به ارائه گزارش‌های منظم به گزارش‌های خدمات اطمینان‌بخشی، زمینه‌های لازم برای ارتقای کمی و کیفی خدمات اطمینان‌بخش را فراهم می‌کند. بدیهی است این الزام باید متکی به رعایت دقیق قوانین و مقررات ذی‌ربط باشد و عدم اجرا جرائمی را بر استنکاف‌کنندگان تحمیل کند به گونه‌ای که گریزی از اجرای آن نداشته باشند.





به کارگیری فناوری‌های جدید در حسابرسی، آموزش کارکنان و کنترل کیفیت توجه خاصی مبذول دارند.

یکی از راه‌های گسترش، تعامل سازنده مؤسسات با دانشگاه و صنعت می‌باشد. به عبارتی، نیروی انسانی مورد نیاز این مؤسسات عمدتاً از طریق دانشگاه‌ها تأمین می‌شود. لذا مشارکت در متون درسی و ارایه افته‌های حسابرسی و برنامه‌ریزی و اعطای بورس به دانشجویان ممتاز در حسابرسی و جذب آنها در مؤسسات، به این فرآیند کمک خواهد کرد و به عبارتی مثلث حرفه، صنعت و دانشگاه باید برقرار گردد تا در مجموع خدمات حسابداری و حسابرسی با کیفیت و مورد نیاز فراهم بشود و حرفه حسابداری و حسابرسی بتواند از شرایط پیش آمده در پساتحریم حداکثر بهره‌برداری را بنماید.

آقای محمدجواد صفار سفلائی:

یکی از الزامات گریزناپذیر دوران تحریم، شفافیت اطلاعات مالی، هم در بخش عمومی و هم در بخش خصوصی است. اطلاعات آزاد و شفاف و قابل اتکاء حق مسلم مردم است. اطلاعات باید از حداقل شفافیت برخوردار باشد. خدمات اعتباربخشی در جهت این شفافیت، تلاش می‌کند. پیامد منطقی الزام به شفافیت، مطرح شدن و روآمدن (کشف) مبالغ هنگفتی در بخش‌های غیرشفاف (زیرزمینی) اقتصاد و نیز بخش شبه دولتی که در حال حاضر کمتر از نظارت‌های مالی مستقل برخوردار است می‌باشد که نیاز مبرمی به خدمات اعتباربخشی حداقل حسابرسی خواهد داشت. حجم این خدمات نیز مبالغ بالایی ارزیابی می‌شود.

آقای محمد حسینی منش:

اقتصاد سالم و پویا با مشارکت دولت و بخش‌های خصوصی و تعاونی نیازمند توسعه نظام مالی (توسعه حرفه حسابداری) صحیح بوده، این امر موجب افزایش حجم قابل ملاحظه‌ای از خدمات اطمینان‌بخش و سایر خدمات مرتبط می‌شود. راه‌های ارتقای کمی و کیفی این خدمات، تجدید سازمان مؤسسات حسابرسی موجود، ادغام، تجدیدنظر در حق الزحمه خدمات یادشده جزء این ملزومات می‌باشد. گرچه وجود مؤسسات حسابرسی در حجم کوچک، متوسط و بزرگ متناسب با حجم فعالیت شرکت‌ها، بنگاه‌ها و دستگاه‌ها نیز از ضروریات جامعه حرفه‌ای است.

آقای حسین کثیری:

علاوه بر خدمات اطمینان‌بخشی معمول یعنی گزارش حسابرسی، سایر خدمات حسابرسی از جمله ارزشیابی سهام، «راستی‌آزمایی شرکت»، «حسابرسی داخلی»، «خدمات مالیاتی»، «مشاوره در امور سرمایه‌گذاری» و... افزایش خواهد یافت. اگرچه حساب‌رسان در ارایه این خدمات باید مقررات جامعه حسابداران رسمی ایران را در پذیرش انواع خدمات رعایت نمایند؛ با این وجود، خدمات حسابرسی در کل افزایش خواهد یافت و این امر بازار خدمات حسابداری و حسابرسی را گسترش و موجب افزایش درآمد مؤسسات حسابرسی خواهد گردید. مؤسسات حسابرسی نیز باید از فرصت به‌دست آمده استفاده نموده و نسبت به ارتقای دانش،